



دانشگاه گیلان
مرکز سلمان فارسی



گازنامه مستقل علمی آموزشی مهبرانگ
سال اول / شماره سوم / آذر ۱۳۹۹
قیمت : ۱۰ هزار تومان



روانکده مهبرانگ +

گفت و گو با دکتر حمید بارانی

آموزش مجازی آموزشی هزار چهره +

بررسی و مقایسه تدریس مجازی

از رسالت تا محبوبیت +

گفت و گو با دکتر سولماز مظفری

فراخوان همکاری با نشریه علمی آموزشی مهبانگ



در زمینه های

- = متون ادبی
- = تدریس های برتر
- = هوش و سرگرمی در زمینه علمی آموزشی
- = بازی های آموزشی و تکالیف خلاق
- = روانشناسی کودکان و نوجوانان
- = مطالبی در زمینه های علوم، ریاضی، املا و انشا خلاق در ابتدایی
- = عکاسی راجع به خاطرات، سفرها، دست سازه های خلاق شما و...
- = مطالب پژوهشی، نقد فیلم، کتاب یا معرفی مشاهیر
- = مطالب جالب و به روز درباره نظام آموزشی و علوم تربیتی

حوزه ها و موضوعات پیشنهادی علاوه بر بخش علمی

- = اقتصاد دانش بنیان
- = کالای ایرانی و چرایی حمایت
- = اخلاق حرفه ای

مطالب و آثار در قالب های یادداشت، سرمقاله، مقاله علمی، خبر، گزارش و مصاحبه پذیرفته می شود.

شرایط ارسال

- = مطالب در قالب word و حداکثر در ۲ صفحه ارسال شود و در نشریات دیگر به چاپ نرسیده باشد.
- = در پایان فایل ارسالی خود نام و نام خانوادگی، ورودی و دانشگاه ذکر شود.
- = لطفا نام فایل ارسالی را متناسب با محتوا تغییر دهید.
- = در صورت استفاده از منبع، حتما نام منابع ذکر شود. منابع ارسالی از کتاب ها، مقالات و سایت های معتبر باشد.
- = استادان علمی و هیئت تحریریه مطالب ارسالی شما را بررسی می کنند و با تایید آن ها مطالب به چاپ می رسد.
- = بر اساس صلاح دید ویراستار، ممکن است قسمتی از متن شما حذف یا به متن شما اضافه شود.

راه های ارتباطی با نشریه

روزهایی که گذشت

- ۱ شروع یک جرقه
- ۲ تگناهای مجوز
- ۳ کند و کاو چارچوب طراحی
- ۴ دعوت نامه ای قلم یاب
- ۵ تولد رادیو مهبانگ
- ۶ پیوستن همراهان همیشگی
- ۷ سازمان بندی تیم مهبانگ
- ۸ پیچ و خم جاده محدودیت
- ۹ هماهنگی مهبانگی ها
- ۱۰ گلچین از گلستان مطالب
- ۱۱ امضای سندهای همکاری
- ۱۲ اولین آوای مهبانگ
- ۱۳ رویکرد نوین محتوا
- ۱۴ رقابت ها و داوری ها
- ۱۵ دومین خروش مهبانگ
- ۱۶ تلاش برای گامی استوارتر
- ۱۷ زمان بندی برنامه ها
- ۱۸ سومین انفجار مهبانگ
- ۱۹ ?





ماهنامه مهبانگ

کاهنامه مستقل علمی آموزشی مهبانگ ♦ سال اول | شماره سوم | آذر ۹۹ ♦ شماره مجوز: ۵۱۸۰۰/۲۹۶/۹/۱۰۰



صاحب امتیاز:

انجمن علمی علوم تربیتی مرکز سلمان فارسی

مدیر مسئول:

پری فهندژ سعدی

سر دبیر:

مریم انصاف

مدیران داخلی:

محمد احمدی، حدیث عرب نژاد، سهیل خواجوی

مدیر هماهنگی:

نرجس میرحاجی

استادان راهنما:

دکتر حسین افلاکی فرد، دکتر مجید بذرافکن، دکتر عباس اناری نژاد، دکتر سولماز مظفری، دکتر فرشید قاسمی، دکتر مجتبی بخشنده، دکتر سمیه آوردن، دکتر منظر غفاری جو، مهندس سهراب صادقی

روابط عمومی:

محمد احمدی، حدیث عرب نژاد

مسئول بخش الکترونیک:

سهیل خواجوی، زهرا رضایی

هیئت تحریریه:

محمد احمدی، زهرا اسکندری، آرزو اکبرزاده، مریم انصاف، نیما بهادری، نرجس بیگی، فهیمه پریشن، صمصام پناهی مفرد، محمد جواد حسین زاده، سهیل خواجوی، مریم دانشمند، زهرا رستگار، زهرا رهسپار، کیمیا رفعت ماه، مرضیه زارعی، فاطمه ساسان نژاد، اسماعیل شادمانی، مرضیه شاکری، درنا صالحی فرد، محمد جواد صفری، ایمان عبدی، حدیث عرب نژاد، پری فهندژ سعدی، صدف قربان پور، محدثه کارگر، علی اکبر کاظمی، نجمه مهدوی، نرجس میرحاجی، سارا نظری، فاطمه نوروزی

طراح جلد و صفحه آرایی:

ایماب دیزاین

طراح لوگو:

مهدی انصاف، صدف قربان پور

طراح پوستر:

زهرا اسکندری، زهرا رهسپار

فتوگرافی:

محمد احمدی، فاطمه ادب دوست، نیما بهادری، نرجس بیگی، سهیل خواجوی، احمد رضا کاردان

ویراستار علمی:

دکتر سولماز مظفری

ویراستار فنی و ادبی:

نیما بهادری

سرپرستان تیم رادیو مهبانگ:

زهرا آگاهی زاده، محمد حسین رضایی

تدوین گران:

محمد احمدی، فاطمه اسفندیاری، سکینه پگاه، محمد حسین رضایی

نویسندگان:

محمد احمدی، زهرا اسکندری، مریم انصاف، نیما بهادری، نرجس بیگی، صمصام پناهی مفرد، بهروز روستایی فارسی، هانیه ریسی، مرضیه شاکری، پری فهندژسعدی، صدف قربان پور، فاطمه نوروزی

باتشکر از:

مدیر امور پردیس استانی و رئیس کمیته ناظر بر نشریات آقای دکتر حسین افلاکی فرد، ریاست دانشگاه فرهنگیان سلمان فارسی خانم دکتر سهیلا جاهدی، کارشناس مسئول فرهنگی مدیریت استانی آقای دکتر مجتبی بخشنده، استادان راهنمای گرانقدر آقای حسین افلاکی فرد، آقای دکتر مجید بذرافکن، آقای دکتر عباس اناری نژاد، خانم دکتر سولماز مظفری، آقای دکتر فرشید قاسمی، آقای دکتر مجتبی بخشنده، خانم دکتر سمیه آوردن، خانم دکتر منظر غفاری جو، آقای مهندس سهراب صادقی، موسسه خیریه آفرینش لبخند(حمایت از کودکان بدسرپرست و محروم)، با تشکر از مسئولین محترم خانه نشریات، معاونت فرهنگی و آموزشی دانشگاه آقای مهندس سهراب صادقی و خانم فاطمه شادمند، اعضای انجمن علمی علوم تربیتی مرکز سلمان فارسی، اعضای هیئت تحریریه محترم و تمامی تشکل های نشریه مهبانگ.

راه های ارتباطی با نشریه :

mahbang_mag

mahbang_mag

۰۹۳۶۹۰۷۵۹۸۴

mahbang.mag@gmail.com

اهمیت معجزه‌وار دعا، توسل و استغفار را برای دفع بلا مورد بی توجهی قرار ندهید و همه‌ی آنچه گفته شد در حکم ابزار است و آنچه به این ابزارها، جان و روح می‌بخشد پروردگار متعال است که باید با دعا و تضرع، نظر لطف الهی را که همواره شامل حال ملت ایران بوده است، برای عبور از این گردنه نیز جلب کرد. کارهای بزرگی در کشور در جریان است و به توفیق الهی هیچ حادثه‌ای نتوانسته جمهوری اسلامی را متوقف کند اما باید این موانع را که موجب گُند شدن حرکت می‌شود، هر چه زودتر برطرف کرد. «صبر و استقامت» تنها راه رسیدن ملت شریف ایران عزیز به قله رفیع پیشرفت و قدرت است. وقتی به ملّتی فقیر و عقب‌مانده که دستخوش هرگونه نابسامانی و پریشانی است یا به مردمی مظلوم که دچار هزاران ستم و نامردمی‌اند یا به جامعه‌ای که با فساد اخلاق و فقر سجایای انسانی روبرو است و یا هر فرد یا جمعی که به صورتی در منجلاب بدبختی‌ها و سیاه‌روزی‌ها غوطه‌ور است، گفته شود صبر کنید، اولین نتیجه‌ای که از این موعظه گرفته میشود آن است که شربت تلخ و مهلک شرایط رویاروی، برای آنان قابل تحمل گشته؛ نه فقط در صدد دگرگون کردن وضع و تدارک نجات خویش برنمی‌آیند بلکه با یادآوری پاداش موهومی که بر این بی‌تفاوتی و خونسردی مقرر شده است از وضع خود خرسند و خشنود نیز بوده، آن را فوزی عظیم می‌پندارند. پیدا است که رواج چنین روحیه‌ای در چنان جامعه‌ای تا چه اندازه به سود طبقات سودجو و ظالم و به زیان طبقات جورکش و مظلوم است.

سخن سر دبیر

به نام یگانه آفریدگار هستی
 گاه می خواهی بنویسی و می مانی چه بنویسی؟ نه قلمی می نویسد و نه ذهنی به حرکت می آید. این تپش روزگار است که گاه همه را به ایستایی می خواند تا خود بنگارد. لحظه ها می گذرد و ساعت ده ها بار می رود و می آید و تو می مانی و تمام راه های نرفته و برف های نکوبیده و قلم های ننگاشته و ...!

این بار خواستیم از گذشته بنویسیم و نگاهی به دیرگاهی داشته باشیم که با شما همراه بودیم. بانگ را به «مهبانگ» واگذار کردیم و پیچ و خم های کرشمه ای و نازهای دلبرانه سرمای پاییزی که به نگاهی بودن زمستان را به همراه می آورد، ما را به گذشته های قلمی و رقمی «مهبانگ» برد. هرچند که این نشریه، علمی است و آموزشی، جادوانه ها و جادوانه های قلمی آن را در این مقدمه به هنر احساس آراستیم...

مخاطب جان عزیز

مجال برای بیش گفتن نیست، این شما و این هم آنچه بضاعت ما بود. بر آنیم تا با همراهی شما این نوشته را به مطالب بیشتر و آموزنده تری بیاریم و این بار شما از تجربیات خود بگویید. این بار در مقابل استادی از استادان ادب نشستیم و از دانشجو معلمانشان گفتند و خودشان... از سوی دیگر میزبان دانشجو معلمی شدیم که اکنون در دانشگاهی دیگر هنوز از خاطرات دانشگاه فرهنگیان خود سخن دارند. به سراغ همکارانی رفتیم که پیش از این هموند ما در دانشگاه بودند و اکنون معلمی در دیاری و آنها از خاطرات و تجربیات خود گفتند. سخنان دیگر هم حاصل تلاش و مساعی هموندان ما در دبیرخانه این نشریه است. امید که مقبول افتد و در نظر آید...

خداوند یگانه را سپاس ما را یاری رساند تا شاهد انتشار شماره ای دیگر از نشریه علمی آموزشی مهبانگ با همکاری دانشجو معلمان و معلمان سراسر کشور باشیم که اهداف خود را بر ترویج علم و دانش نهاده اند.

همتم بدرقه راه کن ای طائر قدسی که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

مریم انصاف/سر دبیر

شناسنامه عکسی



پری فهندز سعدی
مدیر مسئول



مریم انصاف
سر دبیر



محمد احمدی
مدیر داخلی



حدیث عرب نژاد
مدیر داخلی



سپهیل خواجهوی
مدیر داخلی



نرجس میر حاجی
مدیر هماهنگی



دکتر سولماز مظفری
ویراستار علمی



نیما بهداری
ویراستار ادبی و فنی



زهرا آگاهی زاده
سرپرست تیم گویندگی



محمد حسین رضایی
سرپرست تیم رادیو مهبانگ



زهرا رضانی
مسئول بخش الکترونیک



فاطمه اسفندیاری
سرپرست تیم تدوین

فهرست

- | | |
|---|--|
| <p>۲۲ اقتصاد دانش بنیان
اقتصاد دانش بنیان لازمه تحقق جهش تولید</p> | <p>۸ از رسالت تا محبوبیت
مصاحبه با دکتر مظفری</p> |
| <p>۲۴ سفید پوشان بی ادعا
ادبی</p> | <p>۱۰ روش تدریس نوین
بخش سوم</p> |
| <p>۲۵ گالری مهبانگ (آن روزها)
آلبوم</p> | <p>۱۲ روانکده مهبانگ
امید</p> |
| <p>۲۶ الفبای آلفا
دیجیتال</p> | <p>۱۶ آموزش مجازی آموزشی هزار چهره
بررسی و مقایسه تدریس مجازی</p> |
| <p>۲۷ معلمان موفق متفاوت عمل میکنند
معرفی کتاب</p> | <p>۱۷ چادر سفیدی در میان سیاه چادرها
با آموزش عشایر بیشتر آشنا شویم</p> |
| <p>۲۸ روی دیگر سکه جهان
هوش و سرگرمی</p> | <p>۱۸ در پیچ و خم هویت حرفه ای
گزارش</p> |



مصاحبه‌گر:

از رسالت تا محبوبیت

محمد احمدی معلم دوره ابتدایی شهرستان سپیدان



برای ثبت نظر
لمس کنید

۱. سلام و درود، سپاس از این که دعوت ما را پذیرفتید. شما یکی از استادان گروه زبان و ادبیات فارسی هستید که همه رشته های تحصیلی در دانشگاه فرهنگیان با این گروه و دروس مرتبط با آن سر و کار دارند. خواهشمندیم در ابتدا مختصری از خودتان بگویید.

منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

سلامی چو بوی خوش آشنایی
بدان مردم دیده روشنایی
سولماز مظفری هستم، زاده ۲۰ اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و شش خورشیدی. زادگاه من لارستان فارس است و بزرگ شده شیراز هستم. ترجیح می دادم همچون سهراب جان سپهری خود را معرفی کنم:

روزگارم بد نیست.

تکه نانی دارم ، خرده هوشی ، سر سوزن ذوقی . مادری دارم ، بهتر از برگ درخت . دوستانی ، بهتر از آب روان . و خدایی که در این نزدیکی است : لای این شب بوها ، پای آن کاج بلند. روی آگاهی آب ، روی قانون گیاه

۲. سپاس از شما؛ از دوران تحصیل خود برای خوانندگان این نشریه بگویید.

دوره های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته زبان و ادبیات پارسی درس خوانده ام. در دوره کارشناسی ارشد و دکترا رتبه نخست دانش آموختگی را دریافت کردم. البته در مقطع کارشناسی دبیری زبان و ادبیات پارسی را برگزیدم.

۳. چه شد که علاقه مند به رشته ی ادبیات شدید و دلیل موفقیت شما در این رشته چه بوده است؟

همه قبیله من عالمان دین بودند
مرا معلم عشق تو شاعری آموخت
از کودکی به شعر و داستان علاقه بسیار داشتم؛ شاید همین علاقه سبب انگیزه من برای برگزیدن این رشته لبریز از عشق و مهر بود. از کودکی و نوجوانی علاقه فراوان به خواندن رمان های مشهور

داشتم و این را به کرات در کلاس هایم عنوان کردم. در کلاس چهارم ابتدایی پدر فرزانه ام، کتاب «رستاخیز» لئو تولستوی در اختیارم گذاشت و در کلاس پنجم کتاب «خداوند الموت» را خواندم. جالب آنکه ابتدا جملات را نمی دانستم و پدر با آرامش به پرسش های فراوان من پاسخ می داد. همین سبب انتخاب رشته زبان و ادبیات پارسی شد. اعضای خانواده از کودکی به من شعر می آموختند و زمزمه های کودکیم غزلیات سعدی بود و مولوی و اشعار فروغ و فریدون مشیری و حسین منزوی جان. تمام این ها زمزمه ورودی من به این رشته شد؛ اما معلمی... علاوه بر داشتن پدر و مادر فرهنگی علاقه خودم هم دلیلی برای انتخاب معلمی شد: در کودکی به گل های باغچه و گوش ماهی های آورده از دریا درس می دادم و به عروسک های دیکت می گفتم... موفقیت که نمی توان گفت؛ اما یکی از دلایل علاقه مندی خود را خواندن کتاب های غیردرسی مرتبط با زبان و ادبیات پارسی می دانم و دلیل دیگر نوشتن. حاشیه کتاب هایی که خوانده ام، پر از خط خطی های دوران جوانی است. کتاب های کافکا، کامو، تولستوی، داستایوسکی، جمال زاده، هدایت، دانشور، آل احمد، چوبک، افغانی و ... که می خواندم، ناخودآگاه عناصر داستان را در آنها می یافتم و گاهی هم از همان دوران جوانی نوشته ها را تطبیق می دادم. مجموعه اشعار هم همین. بعدها در دوره کارشناسی علاقه مند به اشعار ادبیات عرب شدم که نتیجه آن خط خطی های دوران جوانی، ارائه چند مقاله در همایش های لهستان، آلمان، الجزایر، هند و ... شد. اکنون هم دانشجویانم را بر این کار وامی دارم که گاه ناله هایشان به آسمان می رود.

۴. مطابق نظر سنجی های مختلفی که از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان انجام داده ایم، شما یکی از بهترین و محبوب ترین استادان دانشگاه هستید. دلیل این علاقه مندی و محبوبیت را چه می دانید؟

از رهگذر خاک سر کوی شما بود

هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد
مهر است و لطف دانشجویانم. همه مهر دارند و این نشان از مهرورزی ایشان است. من بر این باورم که هر معلمی و هر مدرسی نباید توقع داشته باشد همه دانش پژوهانش طرفدار او باشند. به هر حال به یقین درمورد من هم اینگونه است. شعار من در معلمی این است که باید به دانشجو به عنوان یک دانشجو نگاه کرد و به او احترام گذاشته شود؛ البته این مورد به یقین مدنظر همه همکاران ارجمند هم قرار گرفته است و همه اینگونه اند. بایسته و شایسته می دانم دانشجویانم خود پاسخگوی این مساله باشند؛ هرچند که این مساله را مبالغه می دانم.

۵. آیا معلمی را تجربه کرده اید؟ علاقه مندی شما بیشتر به معلمی است یا استاد بودن؟

بله، معلمی تجربه نخست من بود در انتخاب شغل؛ البته سال ۱۳۷۷ دانش آموخته کارشناسی شدم و همان سال معلمی را در استان بوشهر آغاز کردم. از سال ۱۳۷۹ در دانشگاه های آزاد اسلامی و پیام نور تدریس کردم و از سال ۱۳۸۵ در دانشکده فنی و حرفه ای سما مشغول به تدریس شدم و البته در تمامی این سال ها در مدارس مطرح و نمونه شیراز؛ همچون دبیرستان شاهد، دبیرستان فرزنانگان، دبیرستان علوی و پیشتازان به تدریس پرداختم. از دیگر مراکز دانشگاهی که در سال های اخیر در آنجا تدریس داشتم، دانشکده دندان پزشکی و پردیس دانشگاه آزاد اسلامی شیراز بوده که به تجربیات آموزشی و علمی من افزوده اند.

حضور در دانشگاه فرهنگیان و تدریس در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد از دیگر موارد ارزشمند در زندگی علمی من است. بسیاری از دانشجویان فرهیخته و فرزانه رشته آموزش ابتدایی، دانشجویان نازنین و محبوب رشته مشاوره و دانشجویان ارجمند و اندیشمند رشته زبان و ادبیات پارسی در هر دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد با من درس داشته اند که با الطاف کریمانه حضرت

دوست لحظات خوبی را با همگی سپری کرده ام و تمامی همّ و غم خود را معطوف بر این کردم تا این دانش اندک خود را در اختیارشان بگذارم و از خداوند متعال خواهانم

قطره دانش که بخشیدی ز پیش متصل گردان به دریاهای خویش
این مهم نیست که در جایگاه معلمی باشم یا استادی دانشگاه؛ آنچه خطیر است و قابل تامل، این است که تدریس می کنم و شیفته این کار هستم.

۶. جایگاه دانشگاه فرهنگیان با دیگر دانشگاه هایی که در آن تدریس داشته اید، چگونه می بینید؟

به یقین تمامی دانشگاه های کشور جایگاه خاصی دارند که دانشگاه فرهنگیان هم از این مساله مستثنی نیست. دانشگاه فرهنگیان به این دلیل که معلم تربیت می کند و به جامعه آموزشی تحویل می دهد، مقامی بسیار خطیر دارد که این مقام از تمامی زوایای آموزشی و پژوهشی قابل تامل و تعمق

است. تربیت افرادی متعهد، مسئول، مبتکر، خلاق و اندیشمند وظیفه ای خطیر است که برعهده دانشگاه فرهنگیان گذاشته شده است. همین مساله سبب شده با دیدی روشن و متعهد و باورمند به محورهای کلیدی و اهداف پایه و اساسی دانشگاه فرهنگیان نگاه شود. به نگر من هرچندکه تمامی دانشگاه ها و موسسات علمی در سراسر کشور دارای مقامی منیع و اهدافی رفیع هستند؛ اما دانشگاه فرهنگیان به دلیل پرورش افرادی در کسوت زیننده معلمی جایگاهی بس بلند دارد که باید به آن نگاهی شایسته داشت.

۷. نظر به این که دانشجویان ورودی ۹۵ به تازگی فارغ التحصیل شده اند، برای پیشرفت آنها چه پیشنهادی دارید؟

دانشجویان ورودی ۹۵ از بهترین های من بودند. خود را در جایگاهی نمی بینم که بخواهم اندرزی پیرانه گویم و تنها به این بسنده می کنم که همان گونه که در کلاس های درس خلاق بودید و شیفته، عاشق بودید و مهرورز، همان را پیشه راه خود سازید. من همیشه سعی بر آن داشتم و دارم که گوش به اندرز پیرانه حافظ جان در زندگی داشته باشم. حضرت حافظ می فرمایند:

رباب و چنگ به بانگ بلند می گویند
که گوش هوش به پیغام اهل راز کنید
به جان دوست که غم پرده بر شما ندرد
گر اعتماد بر الطاف کارساز کنید
میان عاشق و معشوق فرق بسیار است
چو یار ناز نماید، شما نیاز کنید
نخست موعظه پیر صحبت این حرف است

که از مصاحب ناجنس احتراز کنید
هر آن کسی که در این حلقه نیست زنده به عشق بر او نمرده به فتوای من نماز کنید
خواهش خواهرانه من هم این خواهد بود که اندرزها و تجارب مدرسان خود را در تدریس فرا روی خود نمایید که:

قطع این مرحله بی همراهی خضر مکن
ظلمات است بترس از خطر گمراهی
و سخن دیگر اینکه:

همت بلند دار که مردان روزگار
از همت بلند به جایی رسیده اند



یک نکته را بایسته می دانم که بیان کنم و آن هم در تدریس ادبیات پارسی در همه مقاطع است. خواهشمندم در تدریس زبان و ادبیات پارسی به روخوانی متن نثر و شعر توجه داشته باشید. شما به عنوان راهنما باید بر خود بایسته بدانید که هنگام روخوانی و روان خوانی به لحن، آهنگ، تکیه و درنگ در جمله ها توجه کنید. یک معلم ابتدا باید خود آگاه باشد و بعد آگاهی دهد. توجه به معنا و محتوای دروس و سپس بیان نکات از نگر زبانی، ادبی و اندیشگانی در گرو رعایت خوانش نیکوست. نکته بایسته دیگر شادسازی فضای آموزشی است که از نکات محوری نظام آموزشی است. خلاقیت شما نگر خلاقانه دانش پژوه را شکل می دهد. آشنایی با فن سخنوری، توجه به کمال انسانی و پرورش انسانی فرهیخته و فرزانه، توجه به پژوهش، رعایت نکات گفتاری و نوشتاری، آموختن نیکی و نیکویی و پنداری شایسته و نگرگی کمال جویانه در ادبیات حرف برای گفتن دارد. به یقین دانشجویان فرهیخته دانشگاه فرهنگیان انسان هایی شایسته اند و یادگاری از اعصار نیک اندیشیدن.

آنان "راویان قصه های شاد و شیرین" هستند و "قصه های آسمان پاک / نور جاری، آب... قصه های خوش ترین پیغام / از زلال جویبار روشن ایام" معلمی زیننده قامتشان است و این خلعت برانزده آنان.

۸. با توجه به اینکه در بدو شروع سال تحصیلی جدید هستیم، چه سفارشی برای دانشجو معلمان جدیدالورود دارید؟

دوستان ارجمندی که مهمان ما هستند و راه دانش

اندوزی و خردورزی بیشتر را طی خواهند کرد، به یقین خود آگاهند که پیشه خطیری را برگزیده اند که نیاز به تجربه و مهارت بسیار دارد. تنها به همین بسنده می کنم که برای پیشرفت در این شغل نه تنها به آموزش که باید به پژوهش هم عنایت داشته باشند. امید که همراه با خواندن کتاب های درسی، به خواندن کتاب های دیگر هم بپردازند و از تجارب معلمان نمونه و خبره نیز نهایت بهره را ببرند و به این سخن خواجه راز پایبند باشند که:

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس
که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

نکته دیگر اینکه به تمامی دروس خود توجه عمیق داشته باشند؛ به عنوان نمونه در دروس مرتبط با زبان و ادبیات پارسی، دروس آموزش و ادبیات کودک و نوجوان، نگارش خلاق و علمی برای رشته آموزش ابتدایی نیاز به تامل و توجه ژرف است و در رشته های دیگر هم علاوه بر دروس تخصصی، این درس ها باید با دید ویژه ای مورد توجه قرار گیرند که امید آن است دانشجویان این مساله را مدنظر قرار دهند.

معلم بودن، معلمی اندیشیدن و معلم ماندن هنر است که به یقین دوستان نوسفر به این مساله واقفند.

۹. سپاس از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشتید. من و تعدادی از دوستان در این نشریه از دانشجویان شما بودیم و خاطراتی از کلاس درسی و شیوه تدریس شما داریم. سپاسگزاریم که همچون همیشه برای ما زمان گذاشتید. آیا نکته ای ناگفته مانده است؟

مهر دارید و لطف. سخن که بسیار است؛ اما توجه به نکته ای را بایسته می دانم. اکنون در روزگاری به سر می بریم که ویروس منحوس آرامش جهان را برهم ریخته و انسان ها را کمی از هم دور ساخته است. امید که با کرامتی انسانی و آرامشی روحانی زندگی کنیم و به فکر همدیگر باشیم. از آموختن و دانایی و شایستگی به دور نمایم. امید که شایسته سلالری در جامعه علمی ما حرف نخست باشد و در زندگی علمی "طرحی نو براندازیم" و در این زمان و زمانه "گل برفاشانیم"، گل بگوییم و همدلی را شعار زندگی خود سازیم.

و در پایان

من به وجود همه دانشجویانم مباحث می کنم و آرزوی پدرامی و انوشگی برای همه دارم.

از گجستگی به دور مانند و دیر زیند. سپاس و دوصد سپاس از یاران نشریه مهبانگ که نامی چو روی نگار دارند و نغمه ای چون هزار و دست به کاری زده اند کارستان. پری بانوی فهندژ سعدی و آقای احمدی بزرگوار که هر دو از بهترین و نامورترین دانشجویان من بودند و همواره به من لطف دارند. به همه بزرگان این نشریه دست مریزاد می گویم و آرزو دارم عمرتان باد و مراد.

روش تدریس نوین

(بخش ۳)



نرجس بیگی
دانشگاه فرهنگیان
مرکز سلمان فارسی شیراز



در شماره قبل به مقدمه ای درباره روش های تدریس و همچنین تاریخچه روش های تدریس در جهان پرداخته شد. در این شماره به روش های فعال و نوین تدریس خواهیم پرداخت.

مهم ترین روش های فعال و نوین تدریس

کنفرانس یا گردهمایی

این روش با روش سخنرانی تفاوت دارد، زیرا در روش سخنرانی معلم مسئول دادن اطلاعات به دانش آموزان است در حالی که در این روش، اطلاعات توسط دانش آموزان جمع آوری و ارائه می گردد. این روش می تواند مشخص کند که دانش آموزان تا چه اندازه می دانند. این روش یک موقعیت فعال برای یادگیری به وجود می آورد. نقش معلم در کنفرانس صرفاً هدایت و اداره کردن جلسات و جلوگیری از مبارزات است که منجر به انحراف از موضوع کنفرانس و روال منطقی آن نشود. این روش برای کلیه دروس و سنین مختلف کاربرد دارد.

روش شاگرد _ استادی: قدمت این روش به زمانی که انسان مسئولیت آموزش دهی انسان های دیگر را چه از طریق غیررسمی و چه از طریق رسمی به عهده گرفت، می رسد و قدمت آن به صدر اسلام برمی گردد. مسجد نخستین مؤسسه ای بود که چنین سیستمی را برای تعلیم و تربیت مسلمان ها به کار برده است. از روش های تعلیمی که در روش شاگرد _ استادی حائز اهمیت است، روش حلقه و مجلس است که پیامبر عظیم الشان اسلام از این روش به مردم آن زمان آموزش می داد.

همه افراد در کودکی دوست دارند نقشی غیر از نقش واقعی خود بازی کنند؛ روش شاگرد- استادی به این نقش خیالی جامه عمل می پوشاند. در این روش به دانش آموزان اجازه داده می شود که نقش معلم را ایفا کنند. هدف اساسی این روش آن

است که شاگرد، معلم گردد و از این طریق تجربه تازه و ارزشمندی به دست آورد. در این روش، در صورت فقدان معلمان متخصص، تعداد زیادی از دانش آموزان مهارت خاص را آموختند و می توان از آنها استفاده کرد.

روش چند حسی یا مختلط

استفاده از این روش مستلزم به کار گرفتن همه حواس است و جریان یادگیری از طریق تمام حواس صورت می گیرد. از طریق کار بست این روش، می توان مطالب و مهارت ها را درک کرد، ارتباط مؤثر تری برقرار کرد، مهارت ها و وسایل را از یک موقعیت به موقعیت دیگر تعمیم داد.

در یادگیری روش چند حسی به طور کلی از همه حواس استفاده می شود. به بیان دیگر، یادگیری بصری که ۷۵ درصد از مجموع یادگیری ما از طریق دیدن است، یادگیری سمعی که ۱۳ درصد از مجموع یادگیری ما از طریق شنیدن است، لمس کردن که ۶ درصد از مجموع یادگیری ما از طریق لمس کردن است، چشیدن که ۳ درصد از مجموع یادگیری ما از طریق چشیدن است و بوییدن که سه درصد از مجموع یادگیری از طریق بوییدن است.

روش حل مسئله

این روش یکی از روش های فعال تدریس است. اگر نظام آموزشی بخواهد توانایی حل مسئله را به دانش آموزان یاد بدهد (البته مسئله به معنی مشکل و معضل نیست، به بیان دیگر، موضوعی نیست که برای ما مشکل ایجاد کند، بلکه رسیدن به هدف در هر اقدامی، به نوعی حل مسئله است). در این روش، آموزش در بستر پژوهش انجام می شود و منجر به یادگیری اصیل، عمیق و پایدار دانش آموزان می شود. در این روش ابتدا معلم باید این مسئله را مشخص سپس به جمع آوری اطلاعات توسط دانش آموزان بپردازد. بعد از جمع آوری اطلاعات، بر اساس اطلاعات جمع آوری شده

معمولاً معلم از دانش آموز انتظار دارد موضوع به یاد سپرده را کلمه به کلمه بیان کند. شیوه بازگویی مطالب با آن که اغلب در کلاس مورد استفاده قرار می گیرد، ولی متأسفانه ضرورتاً بر تحقق یادگیری کمکی نمی کند. کاربرد این شیوه تنها نشان می دهد که دانش آموز مطالب مورد نظر را به یاد سپرده است. گاهی هدف معلم اساساً این است که دانش آموز موضوع را به خاطر بسپارد تا برای درک مفهوم خاصی آن را به کار برد. در این روش صورت به کار گرفتن این شیوه ممکن است مفید باشد.

روش پرسش و پاسخ

شیوه ی پرسش و پاسخ شیوه ای است که معلم به وسیله ی آن، فراگیر را به تفکر درباره مفهومی جدید یا بیان مطالب فراگرفته شده تشویق می کند. معلم وقتی که می خواهد مفهوم دقیقی را در کلاس مطرح نماید یا توجه فراگیران را به موضوع جلب کند، شیوه پرسش و پاسخ و را به کار می برد و نیز بدین وسیله فراگیر را تشویق می کند تا اطلاع خود را درباره موضوعی بیان کند. ممکن است برای مرور کردن مطالبی که قبلاً تدریس شدند، مفید باشد یا وسیله خوبی برای ارزشیابی میزان درک فراگیر از مفهوم مورد نظر باشد.

روش تمرینی

معلم معمولاً به وسیله تمرین فراگیر را به تکرار مطالب یا کاربرد آن تشویق می کند تا فراگیر در موضوع مورد نظر تبحر لازم را کسب کند. مثلاً معلم انگلیسی از فراگیری می خواهد که با تکرار شفاهی اصطلاحات، تلفظ صحیح آنها را فرا گیرد یا بعد از یافتن طرز ساختن جملات شرطی، پنج جمله شرطی بسازد. ممکن است معلم ریاضی پس از درس دادن مفهوم مشتق و طرز مشتق گیری از

در یادگیری شرکت می کنند و مفهوم مورد نظر را از یکدیگر می آموزند. در این شیوه معلم را می توان به عنوان محرک، شروع کننده بحث و راهنما تصور کرد. معلم طوری سوال یا مسئله ای را مطرح می کند که دانش آموزان را به پاسخگویی و حل مسئله تشویق کند. این شیوه در دو مورد زیر کاربرد خاصی دارد.

۱- یک موقعی که معلم می خواهد مفهوم جدیدی را به فراگیران بیاموزد. (مانند موقعیت بالا) و انتظار دارد که همه آنها مفهوم را به شکلی واحد دریابند. در این صورت معلم سعی می کند بحث را به جهتی بکشاند که شکل صحیح مفهوم از آن نتیجه گیری شود.

۲- هدف معلم این است که ذهن دانش آموزان را به تکاپو و جستجو وادارد. در این صورت معلم مسئله ای را عنوان می کند که تا دانش آموزان راه حل آنها را پیشنهاد کنند. در این موقعیت معلم نیز سعی می کند که موضوع بحث را به دلخواه خود کنترل کند تا راه حلی که خود در نظر دارد به کلاس تحمیل نکرده باشد.

روش آزمایشی

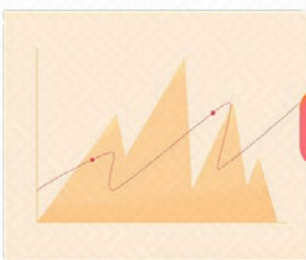
(روش اجرا کردن یادگیری وسیله عمل) آزمایش فعالیتی است که در جریان آن، فراگیر با به کار بردن وسایل و مواد بخصوصی درباره مفهومی خاص عملاً تجربه کسب می کنند. آزمایش معمولاً در آزمایشگاه انجام می گیرد اما نداشتن آزمایشگاه مجهز یا وسایل مناسب در مدرسه نباید دلیلی برای انجام ندادن آزمایش در کلاس باشد. وسایل بسیار ساده لازم است که معلم و دانش آموز می تواند به آسانی آن ها را تهیه کند. آزمایش، گاهی به منظور آشنا کردن دانش آموزان با جنبه های عملی یک مفهوم، مورد استفاده قرار می گیرد.



توابع، از دانش آموزان بخواهد ده مسئله در رابطه با این موضوع حل کنند. در تمام موارد بالا، با استفاده از شیوه تمرینی، دانش آموزان را به تکرار یا کاربرد مفاهیم مورد نظر تشویق می کند.

روش بحثی

در شیوه ی بحثی، دانش آموزان فعالانه



%



برای ثبت نظر
لهمس کنید



روانکده مهبانگ

موضوع این شماره

امید

سلام و درود خدمت شما جناب دکتر. ممنونم بابت اینکه قبول کردید ما در خدمتتان باشیم، امیدوارم گفتگوی خوبی داشته باشیم. همان طور که می‌دانید این شماره می‌خواهیم در مورد امید با هم صحبت کنیم. اول از همه مختصری از سوابق خانوادگی، تحصیلی و خدمتتان را بفرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم. بنده هم جا دارد که از شما تشکر کنم، با وجود اینکه چندین سال هست که از تحصیل من در دانشگاه فرهنگیان می‌گذرد؛ اما همچنان بنده را در خاطر دارید و این حس خیلی خوبی است. همیشه وقتی از یک جایی می‌رویم و می‌بینیم بعد از گذشت چند سال هنوز یادی از ما می‌شود، این احساس تعلق نسبت به مکان و محیطی که بودیم در ما بیشتر می‌شود. خوشحالم که این فرصت برای من فراهم شد تا درباره مسیری که این چند سال طی کردم، با شما صحبت کنم. من حمید بارانی متولد «۲۹ شهریور ۱۳۷۳» هستم. دوران تحصیلات دبیرستان را در رشته علوم تجربی در شهر داراب گذراندم و بعد از آن از سال «۱۳۹۱» دوران کارشناسی شروع شد. رشته علوم تربیتی، گرایش آموزش پیش دبستانی و دبستان، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید رجایی شیراز بودم و به طور پیوسته بعد از آن روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز و هم اکنون هم سال ۳ دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز هستم.

لطفاً پیشینه‌ای از واژه امید و کاربردش در زمینه‌های مختلف را بگویید.

ما در زندگی با موانع و چالش‌های روبه‌رو می‌شویم و از کودکی این چالش‌ها با ما بوده و هست و بزرگ‌ترها ما را تشویق می‌کردند که ناامید نشویم.

به نظر می‌آید خیلی بدیهی و پذیرفته شده است که امید یکی از چیزهایی هست که کاربرد گسترده و مثبتی در زندگی ما دارد؛ اما اگر بخواهیم به تاریخ و گذشته‌ی امید نگاه کنیم، می‌بینیم که در افسانه‌های یونان باستان در افسانه جعبه پاندورا از امید صحبت شده است. حالا ما این را در قالب یک افسانه می‌بینیم یا می‌آییم در اشعار خودمان در ادبیات باستانی نگاه می‌کنیم که بیت‌ها و شعرهای بسیاری در خصوص امید هست و یا می‌آییم جلوتر، می‌خواهیم به این بپردازیم که امید از نظر علمی چیست. یک نگاه تاریخی، ادبی و فلسفی و گاه یک نگاه عامیانه به امید داشته باشیم؛ اما از یک جایی به بعد امید هم همچون سایر سازه‌هایی که در زندگی داریم، مورد بررسی علمی قرار می‌گیرد؛ حال کسانی مثل پکران نظریه کنترل ارزش هیجان‌ات پیشرفت، امید را به عنوان یکی از هیجان‌ات پیشرفت معرفی می‌کند. به این معنا که پکران معتقد است که ما در حین انجام فعالیت‌های تحصیلی‌مان در کلاس مدرسه و دانشگاه در حال تجربه کردن یک‌سری هیجان‌ات هستیم، هیجان‌اتی مثل خشم، غرور، ناامیدی، خستگی و کسالت. پکران امید را جزء یکی از هیجان‌ات پیشرفت قرار می‌دهد و معتقد است که امید یک هیجان فعال کننده است.

جلوتر با یکی از شخصیت‌هایی آشنا می‌شویم که به نظر می‌آید بیشترین نقش را در معرفی امید در کار بست، توضیح، تفسیر و پژوهش بر روی امید دارد و آن شخص خود، روانشناس و نظریه پرداز هست؛ اما با یک بیماری شدید یعنی سرطان دست و پنجه نرم می‌کند. این شخص به جهت این که توانست امید را آنگونه که حقیقت بود معرفی کند، به عنوان پدر نظریه امید معرفی می‌شود و

آن شخص "پروفیسور ریک اسنایدر (اسنایدر)" است. اسنایدر، امید را صرفاً یک هیجان نمی‌داند. اسنایدر می‌گوید: «امید صرفاً یک هیجان نیست، یک شناخت هم هست». ما می‌بینیم و می‌خوانیم که شناخت طبقه‌بندی کردن و تفسیر کردن است. شناخت ارتباط بخشیدن به این سازه‌ها و مفاهیم است. وقتی در اینها تأمل می‌کنیم، می‌بینیم که وقتی امید می‌شود یک سازه شناختی انگیزشی در نظریه اسنایدر، به نظر می‌آید شرح و بسطش هم گسترده‌تر می‌شود و به این مسئله می‌پردازیم که اصلاً اسنایدر به چه جهت به امید نگاه کرد که شناخت را هم در توصیف و تفسیرش به کار برد و آن را دو وجهی در نظر گرفت و گفت امید یک سازه شناختی - انگیزشی است که هم عنصر انگیزه و هم عنصر شناخت را در آن به کار برد. جلوتر که می‌آییم هرچند اسنایدر عمرش کفاف نداد و داشت چیزهای دیگری در تعریف و تبیین امید اضافه می‌کرد که در ادامه اگر لازم شد به آن می‌پردازیم اما تا اینجا یک سیر تاریخی داشتیم در ادبیات در شیوه تربیتی خودمان و ارتباط با دیگران داشتیم تا برسد به نظریه پکران تا برسد به اسنایدر و حالا تمرکز ما بر نظریه امید اسنایدر است که این نظریه دقیقاً چیست و به چه کار بستگی دارد. ما بر اساس این نظریه متوجه می‌شویم که چگونه می‌توانیم امید را در زمینه‌های مختلف گسترش بدهیم چگونه خودمان امیدوارتر باشیم.

لطفاً کمی درباره نظریه‌های مختلف در این زمینه بپردازید و اینکه تعریف شما از امیدواری چیست و چگونه امید به زندگی ما نیرو می‌بخشد؟

ما در مورد تئوری‌های امید کمی صحبت کردیم و

اینکه تعریف من از امید چیست! تعریف من مبتنی بر تعریفی است که اسنایدر از امید می‌کند، چون به هر حال این نظریه را من به عنوان نظریه مبنا در کار پژوهشی، درمانی و آموزشی پذیرفته‌ام و بر اساس آن کار می‌کنم. امید یک بحث گسترده‌ای است، به این صورت که اسنایدر خود این مسئله را به خوبی شرح می‌دهد، می‌گوید که نظریه امید یک فرانتزیه است و در واقع امید چیزی است که تقریباً همه موقعیت‌ها بر اساس آن قابل تفسیر هستند. تفسیرهای گسترده و کاربرد گسترده امید در حیطه‌ها و زمینه‌های مختلف بود که اسنایدر به همراه همکارش سیمپسون به این معرفی و شرح امید در حوزه‌های خاص یا امید حیطه‌های خاص مانند امید تحصیلی، امید خانوادگی، امید اجتماعی، امید تندرستی و امید اقتصادی می‌پردازد. وقتی من می‌گویم امید تحصیلی یا امید اقتصادی، اینها یعنی همان گستردگی امید و اینکه همه موقعیت‌ها بر اساس امید قابل تفسیر هستند. اینکه خود امید در نظریه امید چیست و یا این که این امیدها یعنی اجتماعی، خانوادگی، تحصیلی و تندرستی چگونه کار می‌کند و اینها چه هستند، نیازمند این است که اول در مورد خود امید صحبت کنیم.

وقتی می‌آییم در چارچوب نظریه اسنایدر به امید می‌پردازیم، امید مانند یک سفر است؛ یک مقصد دارد که قرار است ما به آن برسیم. آن مقصد اولین مؤلفه امید، یعنی "هدف" است. دوم نقشه راهی داریم که برای رسیدن به آن هدف وجود دارد و این دومین مؤلفه امید در نظریه اسنایدر است که به آن "تفکر رهیاب" می‌گویند، تفکری که راه را می‌یابد. سوم وسیله نقلیه یا یک انرژی یا یک انگیزه برای

حرکت در این راه است که ما را به هدف برساند، آن می‌شود سومین مؤلفه امید که "تفکر عاملی" نام دارد و به آن انگیزه یا اراده نیز می‌گویند. پس ما تا اینجا وقتی می‌خواهیم از امید صحبت کنیم، از یک تمثیل استفاده می‌کنیم. امید را به مثابه یک سفر می‌بینیم که یک مقصد دارد که آن مقصد همان هدف است؛ یک نقشه راه دارد که مؤلفه دوم یعنی تفکری رهیاب است؛ یک وسیله نقلیه یک انرژی و انگیزه و عاملیت برای حرکت، در واقع مؤلفه سوم امید تفکر عاملی است. حالا اینکه چگونه این سه عامل کمک می‌کنند و چگونه با هم در تعامل و ارتباط هستند و آیا کاهش و ضعف یک مؤلفه سبب ضعف در مؤلفه‌های دیگر می‌شود، در ادامه به آن می‌پردازیم. یک شخص با سطح بالایی امیدواری به این صورت است که یک هدف را انتخاب می‌کند، راه‌های رسیدن به آن هدف را شناسایی کرده و انگیزه لازم برای رفتن در این راه‌ها را دارد؛ به خاطر همین است که در زندگی وقتی ما با موانع مواجه می‌شویم، می‌گویند امید خودت را از دست نده و وقتی با دقت به آن نگاه می‌کنیم، می‌بینیم منظور عاملیت امید است نه کل امید! "باور به اینکه تو می‌توانی" را از دست نده.

در مورد تأثیرات امید در زندگی و کاربردش در حوزه‌های مختلف برای‌مان توضیح دهید. همان‌طور که گفتیم سازمان روانی امید از سه بخش تشکیل شده است. یک مثال را در نظر می‌گیریم. من در حوزه سلامتی و تندرستی صحبت می‌کنم که امید سلامتی و تندرستی چگونه است؟ به عنوان مثال هدف من این است که ده کیلو افزایش وزن داشته باشم، پس من اول اگر بخواهم بر اساس

امید پیش بروم باید هدف را مشخص کنم. یعنی آن چیزی را که می‌خواهم به گونه‌ای توصیف و تفسیر کنم که دیگر آرزو و خیال نباشد. چه زمانی این اتفاق می‌افتد، زمانی که من آن چیزی را که می‌خواهم، در قالب هدف تعیین کنم. زمانش، مکانش و اندازه‌اش را مشخص کنم. ما زمانی می‌توانیم به آن هدف ده کیلو اضافه وزن برسیم که اول زمانش را مشخص کنیم. اینکه در چه مدت زمانی می‌خواهیم ۱۰ کیلو اضافه کنیم، زمانی که وقتش را مشخص کردیم همین جا است که می‌بینیم امید یک ماهیت فراشناختی هم دارد؛ یعنی به ما کمک می‌کند که یک نگاه از بالا به پایین به موضوع داشته باشیم. یعنی آن مدت زمانی که می‌خواهیم در نظر بگیریم به لحاظ وهم و خیال نباشد و منطقی باشد. اگر به یاد داشته باشید، گفتیم امید یک بخشی از آن شناخت است که شناخت یعنی طبقه بندی کردن و این امید به ما کمک می‌کند که ما از لحاظ منطقی هدف را مشخص کنیم و می‌گوییم مثلاً اضافه وزن را در حدود ۱۰ ماه انجام می‌دهند. در گام دوم خرده هدف اول را مشخص می‌کنیم، می‌گوییم ماهی یک کیلو اضافه وزن، خرده هدف دوم را مشخص می‌کنیم، هفته‌ای ۲۵۰ گرم اضافه وزن. امید یک خاصیت دیگر هم دارد، باعث می‌شود هر قدمی که برمی‌دارد، یک تقویت‌کننده برای من باشد. هر گام به من انگیزه می‌دهد که این انگیزه در سازمان امید، تفکر عاملی یا همان انرژی و انگیزه را تعیین می‌کند. پس در واقع ما داریم به این سؤال که آیا مؤلفه‌های امید با هم در ارتباط هستند، جواب می‌دهیم و پاسخ مثبت است. زمانی که من هدف را به خرده هدف تبدیل می‌کنم و طی گام‌های کوچک



جلو می‌روم، سبب انگیزه شده و کمک می‌کند که من گام‌های محکم‌تر بردارم. تفکر امیدوارانه به این گونه است که هرگاه فردی هدفی را انتخاب می‌کند، انگار یک بارش ذهنی برای ارائه راه‌های مختلف به سراغ او می‌آید و مدام ایده‌پردازی و راهیابی اتفاق می‌افتد و فرد به یک راه قانع نمی‌شود و همچنین پس از به وجود آمدن مانع در یک راه ناامید نمی‌شود.

همان‌طور که می‌دانید، مخاطب اصلی نشریه ما دانشجو معلمان هستند و مطالب نشریه را بیشتر دانشجو معلمان مطالعه می‌کنند، لطفاً از کاربرد امید در تعلیم و تربیت به ما بگویید که ما بتوانیم این اصل مهم را در کلاس اجرا کنیم.

بحث کاربرد امید در تعلیم و تربیت یا امید تحصیلی بسیار مهم است و کافی است فرمول سازمان روانی امید را به خوبی شناسایی کنیم تا بتوانیم در این خصوص پیش برویم. من زمانی می‌توانم به خواسته‌هایم برسم که اول آن خواسته‌ی خود را به هدف تبدیل کنم و در گام‌های بعد آن هدف را تبدیل به خرده هدف کنم و آن موقع است که هدف قابل دستیابی است. زمانی که گام اول را برمی‌داریم، این خودش یک تقویت کننده محسوب می‌شود. انسان را در برنامه قرار می‌دهد و اینگونه پیش می‌رویم تا برسیم به گام آخر و این نکته چیزی است که دانشجو معلمان باید یاد بگیرند و خود را در این زمینه تقویت کنند تا به دانش‌آموزان خود یاد بدهند. دانش‌آموز زمانی موفق می‌شود که من معلم به آن یاد بدهم که برای خود هدف تعیین کنند، هدف‌ها را به خرده هدف تبدیل کنند، سپس گام‌های کوچک بردارد و بعد از هر گام کوچک خود را تقویت کند. راه‌های رسیدن به هدف را شناسایی کرده و این را باور داشته باشد که اصلاً قرار نیست با اولین تلاشی که انجام می‌دهند، به هدف برسند؛ ممکن است بارها زمین بخورد و این باعث نمی‌شود که از هدفش باز بماند. جمله‌ای است که می‌گوید: اگر صد بار هم از اسب افتادی، باز برخیز و سوار شو. من به عنوان دانشجو معلم باید برای دانش‌آموزانم گام‌های کوچک در نظر داشته باشم. گام‌های بزرگ مساوی است با شکست، ناامیدی و حس سرزنش خود. اگر بخواهیم برای دانش‌آموزان تکلیف بزرگی را مشخص کنیم، مشکلی ندارد؛ اما باید آن را خرد کنیم که گام به گام تکلیف را انجام دهند و ما نظارت داشته باشیم. پس از هرگام به او یاد بدهیم که الان زمان تقویت و تشویق کردن خودش است و به او بگوییم که الان یک گام برداشته است. درست است که گام‌هایی مانده؛ اما گام‌هایی هم برداشته شده است.

معلم ممکن است با دانش‌آموزان کاری کند که یک کمال‌گرایی در آنها ایجاد شود. این کمال‌گرایی باعث می‌شود آن شخص همیشه در عذاب باشد که ناشی از تلاش زیاد است. انگار گام‌های کوچک او را قانع نمی‌کند و حتماً باید گام بزرگ‌تر بردارد و آن گام بزرگ هم، چون برداشتنی نیست با سرزنش خود و سرخوردگی روبه‌رو می‌شود و این می‌شود که آمار افسردگی در دانش‌آموزان بالا می‌رود. به عنوان مثال برای امتحان گاهی یک فصل برای دانش‌آموزان خیلی زیاد است. معلمان نباید بر اساس هیجان، اخلاق و رفتار خود برای دانش‌آموزان تصمیم بگیرند. ۱۰ صفحه یک فصل ممکن است برای معلم چیزی به حساب نیاید؛ اما برای دانش‌آموزان زیاد است. این زیاده خواهی معلم باعث می‌شود اعتماد به نفس دانش‌آموزان به شدت آسیب ببیند و احساس کارآمدی خود را از دست بدهند. این جمله بسیار مهم است که زندگی برای من مجموعه‌ای از گام‌های کوچک است نه گام‌های بزرگ. گاهی حتی من در قالب پدر و مادر دچار اشتباه می‌شوم، این بسیار خوب است که من خواسته‌های فرزندانم را برآورده کنم؛ اما این به این معنا نیست که این‌گونه به او بفهمانم که بله تو می‌توانی با یک قهر و یا گریه کردن یک دستورالعمل بزرگی را کسب کنی؛ این طرز تفکر بارقه‌های امید را در فرزندان و کودکان خشک می‌کند.



چه چیزی باعث کاهش و افزایش امیدواری در دانش‌آموزان می‌شود؟ چگونه می‌توانیم دانش‌آموزان امیدوارتری داشته باشیم؟

از عوامل کاهش دهنده یا افزایش دهنده امید می‌توان به نوع هدف‌گذاری اشاره کرد که در مورد این عامل به تفصیل صحبت کردیم. مورد دیگر کمال‌گرایی است؛ یعنی یک فرد همه چیز را صد درصدی بخواهد و چون صد درصد ممکن نیست، همواره در یک عذاب شدیدی برای تلاش‌های نافرمان است و حتی بعد از اینکه چیزهای بسیاری هم به دست می‌آورد، اینها آن فرد را قانع نمی‌کند. در صورتی که ما باید بپذیریم که صد درصد برای من که زمینی هستم، محقق نمی‌شود. یکی دیگر از موانع که در این خصوص پیش روی ماست، ترس از شکست است؛ یعنی من معلم با دانش‌آموزانم به گونه‌ای برخورد کنم که انگار آنها فرصت اشتباه ندارند؛ غافل از اینکه اشتباه برای انسان ارزش تکاملی دارد. یادگیری‌های انسان حاصل اشتباهات اوست. همه ما زمانی یاد گرفتیم بنویسیم که قبل از آن اشتباه کردیم، زمانی یاد گرفتیم سخنرانی کنیم که قبل از آن اشتباه کردیم، نه اینکه ما بیاییم محیط را برای اشتباه کردن فراهم کنیم؛ منظور این است که هر انسانی به طور طبیعی در زندگی اشتباه می‌کند. این موضوع را من معلم باید به دانش‌آموزانم بفهمانم، باید یک محیط گرم و صمیمی ایجاد کرد که دانش‌آموزان از اشتباه کردن نهراسند، چرا که این ترس از اشتباه کردن مانع از فعال شدن دانش‌آموز می‌شود. اگر من بتوانم کاری را بدون اشتباه انجام دهم، خیلی خوب است؛ اما مسئله این است که من بتوانم این باور را در دانش‌آموزانم نهادینه کنم که اشتباه ارزش تکاملی دارد و بخشی از زندگی است و نیازمند خود سرزنشی نیست.

ممکن است شما بپرسید من تا کجا می‌توانم به دانش‌آموزانم اجازه دهم که اشتباه کنند؟ پاسخ یک چیز است، تا جایی که قابل جبران باشد. من معلم نمی‌توانم به دانش‌آموزانم فرصت دهم هر اشتباهی که ممکن است برای آنها مشکل‌ساز باشد، انجام دهند؛ اما می‌توانم این فرصت را ایجاد کنم که اگر اشتباه می‌کنند، با مشکل مواجه نشوند.

همگی ما به عنوان معلمان این جامعه در زندگی مان قطعاً با مشکلاتی روبه‌رو می‌شویم و با موانع زیادی روبه‌رو خواهیم شد که باعث ناامیدی ما می‌شود، چه کار کنیم که این ناامیدی را به دانش‌آموزان منتقل نکنیم؟

بحث اول این است که سازمان روانی امید را به خوبی بشناسیم، چون همیشه دانستن و آگاهی، مسئولیت به همراه خود می‌آورد. وقتی من نسبت به مسئله آگاه شوم، باعث می‌شود

رفتارم را بهتر کنترل کنم. از یک جایی به بعد نیاز به یک عنصر تکمیلی داریم که در این خصوص به ما کمک کند که آن "ذهن آگاهی" است که احتمالاً موضوع تخصصی مصاحبه بعد باشد. ذهن آگاهی بحث پذیرش را به میان می‌آورد، پذیرش اینکه من این مسیری را که می‌روم، یک سری چالش‌هایی با خود دارم. پذیرش خودم که من این نقاط ضعف و قوت را دارم. پس در ذهن آگاهی این پذیرش است که به من کمک می‌کند از قبل یک پیش‌آمدگی داشته باشم که در زندگی کاری ممکن است برای من مشکلاتی از قبیل مشکلات خانوادگی، اجتماعی و... به وجود بیاید. دوم، پذیرش این است که در این مسیر سختی‌هایی است که برای این سختی‌ها نیازمند یک سری توانمندی‌هایی هستم که این توانمندی‌ها به من کمک می‌کند علیرغم مشکلات زیادی که دارم، در آن موقعیت به خوبی عمل کنم. به این ترتیب ابتدا فرد نیازمند آگاهی و سپس پذیرش است و بعد از آن ویژگی پختگی در فرد ایجاد می‌شود. در واقع معلمی نیازمند دو عنصر خیلی مهم است؛ یکی پختگی و دیگری خردمندی. معلم به صرف اینکه کتاب‌ها مطالعه کرده باشد، جشنواره‌های تدریس برنده شده باشد و یا جایزه‌ها گرفته باشد؛ معلم خوبی نمی‌شود. معلمی نیازمند یک فرد با تجربه است؛ نیازمند پختگی و خردمندی است. یکی دیگر از عناصر ذهن آگاهی این است که من ارتباطم را به خوبی با لحظه‌ی حال حفظ کنم. لحظه‌ی حال یعنی من تمام توجه‌ام معطوف آن موقعیتی باشد که در آن قرار می‌گیرم؛ سعی کنم با داشته‌هایی که در آن موقعیت است ارتباط برقرار

کنم، نه با نداشته‌ها. همه‌ی اینها زمینه‌ساز به وجود آمدن اصل تفکیک در معلم می‌شود، این اصل یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تربیتی ذهن آگاهی است. اصل تفکیک یعنی من خستگی سرکار را به خانه و یا تفریح و... تعمیم نمی‌دهم و بین اینها تفکیک قائل هستم.



اسنایدر می‌گوید:

«امید صرفاً یک هیجان نیست، یک شناخت هم هست»



به عنوان سخن آخر، توصیه‌های خود را در این زمینه به دانشجو معلمان بفرمایید.

یاد خاطره‌ای افتادم که مربوط به کلاس درس دوران فوق لیسانس بود. تولد یکی از همکلاسی‌ها بود و یکی از دانشجو‌ها از استاد خواست برای شخصی که تولدش هست، آرزویی کند. استاد اینگونه جواب داد: "آرزو می‌کنم وقتی به سن ۴۰ سالگی رسیدی، زمانی که به گذشته خود نگاه می‌کنی، به خودت افتخار کنی." حالا که شما از من می‌پرسید توصیه‌ای به دانشجو معلمان کنم؛ من هم می‌گویم به گونه‌ای باشید که وقتی دوران لیسانس تمام شد؛ به این دوران افتخار کنید.



پری فهندژ سعیدی
دانشگاه فرهنگیان
مرکز سلمان فارسی شیراز



برای ثبت نظر
لتمس کنید

آموزش مجازی آموزشی

هزار چهره

بررسی و مقایسه تدریس مجازی در تعدادی از کشورها



همزمان با شیوع ویروس کرونا، نهادها و سازمان‌های مختلفی دستخوش تغییر و تحولاتی شدند؛ از مهم‌ترین نهادهایی که در این راه با چالش‌هایی مواجه شد و این چالش‌ها منجر به تغییرات اساسی در آن شدند، نهاد آموزش و پرورش می‌باشد که منجر به تغییر روند آموزش از کلاس‌های حضوری به کلاس‌های مجازی گردید. به صراحت می‌توان بیان کرد که روش‌ها و رویکردهای انتخابی در هر کشور، متناسب با شرایط و اقتضائات همان کشور بوده؛ اما نکته حائز اهمیت آن است که هر کشوری نگران از دست رفتن زمان برای آموزش مناسب بود در نتیجه و طی اقداماتی، آموزش مجازی را گزینه مناسبی دیدند تا بدین وسیله اهداف آموزشی خود را پیش ببرند. بعضی از کشورها در این زمینه به آموزش تلویزیونی و طراحی پلتفرم‌های متمرکز و ملی روی آوردند و عده‌ای هم به پلتفرم‌های غیرمتمرکز متوسل شدند، به طوری که مدارس با استفاده از پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های تعاملی، آموزش را پیش بردند. تقریباً آموزش در هیچ کجای دنیا متوقف نشد ولی کیفیت آموزش یکسان نبود و می‌توان اظهار داشت که در کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه‌یافته از جمله آمریکا، انگلیس و... شاهد تحقق عدالت آموزشی نبودیم و فراگیران از نظر دسترسی به اینترنت، ابزارهای دیجیتالی در رنج و مشقت بودند. با گذشت زمان و با توجه ناکارآمدی برخی شبکه‌های آموزشی و مشکلات موجود در آموزش مجازی، تصمیماتی در خصوص بازگشایی دوباره مدارس اتخاذ شد. مثلاً کشورهای شمال اروپا بازگشایی سریع مدارس را در دستور کار خود قرار دادند ولی کشورهای مرکزی اروپا، رویکرد محتاطانه‌تری را اختیار کردند. بازگشایی مدارس نیز حالت‌های مختلفی به خود گرفت، بدین صورت که در برخی کشورها فقط پایه آخر ابتدایی یا پایه آخر متوسطه به مدرسه می‌رفتند، در کشورهایی دیگر اولویت با دانش‌آموزان پایه پایین‌تر بود. در این خصوص دانمارک اولین کشور اروپایی بود که مدارس را در تاریخ ۲۷ فروردین با ضوابط خاصی برای دوره ابتدایی بازگشایی کرد. در ایران نیز مدارس برای سال تحصیلی جدید در تاریخ ۱۵ شهریور فعالیت خود را از سر گرفتند. در این گیر و دار استفاده از برخی شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای آموزشی به میزان چشم‌گیری افزایش

یافت و بر محبوبیت آنان افزوده شد. در این مطالعه بر آن شدیم تا به بررسی و مقایسه تدریس مجازی در تعدادی از کشورهای مختلف بپردازیم و رویکرد هر کدام را نسبت به آموزش مجازی متوجه شویم.

فنلاند

پس از آنکه مدارس فنلاند به خاطر ویروس کرونا تعطیل شد، معلمان این کشور برای آموزش به ابزارهای آموزشی همچون کیدی (Qridi)، متوسل شدند. این اپلیکیشن همراه با دیگر اپلیکیشن‌هایی همچون (Google Meet, Google Classroom, Youtube, Whats App و...)، در بحث آموزشی مورد استفاده قرار گرفتند. معلمان فنلاندی مطالب آموزشی خود را در برنامه "کیدی" بارگذاری می‌کنند و دانش‌آموزان از طریق گوشی به این اطلاعات دسترسی می‌یابند. همچنین جلسات آموزشی را با استفاده از (Google Meet)، در یک ساعت مقرر برگزار می‌کنند و فضایی همچون فضای معمولی کلاس درس را تداعی می‌کنند. بر اساس آمار منتشر شده، اکثر خانه‌های فنلاند به اینترنت دسترسی دارند و دانش‌آموزان در سن مدرسه دارای تلفن همراه هستند یا از تلفن همراه والدین خود استفاده می‌کنند. همچنین به دانش‌آموزان تبلت و لبتاب‌هایی امانت داده می‌شود تا بتوانند در جریان آموزش مشارکت داشته باشند.

چین

دانشگاه‌ها و مدارس چین نیز به دنبال تعطیلی مدارس و برای تضمین سلامتی دانش‌آموزان، به آموزش مجازی و اینترنتی روی آوردند. در کشور چین دوره‌های درسی کوتاه‌تر و اغلب بین ساعت ۸-۱۱ صبح برگزار می‌شود. در این کلاس‌ها علاوه بر دروس تئوری، رشته‌های هنری، فنی و... نیز تدریس می‌شود. آموزش و پرورش چین اعلام کرد که برای آموزش آنلاین، ۲۲ پلتفرم را طراحی کرده و ۲۴ هزار دوره آموزش عالی آنلاین به صورت رایگان برگزار کرده است. تدریس‌های مجازی به دو صورت دوره آنلاین و زنده و فیلم‌های از پیش ضبط شده برگزار می‌شود که روش دوم درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است. چین کلاس درس را در بستر فضای مجازی از جمله (We Chat, Meeting Online, Tencent, Meeting Online)، ارائه کرد.

ژاپن

یکی از کشورهایی که با شیوع ویروس کرونا از آموزش مجازی عقب ماند و عملکرد ضعیفی از

خود نشان داد، کشور ژاپن بود. به عنوان مثال مدرسه ابتدایی کیتاسووا در شه تامای توکیو یکی از مدارس دولتی بود که در زمان تعطیلی مدارس، مشتاق به استفاده از آموزش از راه دور نبود و در عوض مطالب درسی خود را به صورت چاپ شده در اختیار دانش‌آموزان قرار داد. یکی از دلایل عدم استفاده از آموزش مجازی، عدم تحقق عدالت آموزشی و نابرابری در دسترسی به اینترنت و دستگاه‌های رایانشی می‌باشد. اما رفته‌رفته والدین خواستار آن شدند که مطالب آموزشی به شیوه آنلاین برای دانش‌آموزان و دانشجویان ارائه گردد تا از مشکلات موجود کاسته شود.

ایران

در کشور ما نیز وجود ویروس کرونا، نظام آموزشی را تحت الشعاع خود قرار داد و ضرباتی را بدان وارد کرد. برای جبران صدمات وارد شده و تعطیل نشدن آموزش، برنامه داخلی "شاد" طراحی شد و جریان آموزش به سمت برنامه شاد هدایت شد. اما روند اجرایی این برنامه با مشکلات بسیاری مواجه شد و کماکان با مشکل روبروست و همواره شاهد وعده‌هایی هستیم که در هفته‌های آتی این مشکلات برطرف خواهد شد. در کنار برنامه شاد، استفاده از پیام‌رسان (Whats APP)، رونق گرفت و بیشتر آموزش در این محیط انجام گرفت؛ اما به دلیل محدودیت این برنامه در حجم فایل‌های ارسالی، آموزش همواره با مشکلاتی روبرو بود. از دیگر اقداماتی که در زمینه تدریس مجازی در ایران صورت گرفت، ارائه مطالب درسی در قالب شبکه‌های تلویزیونی بود که "شبکه آموزش" عهده‌دار این رسالت می‌باشد. این شبکه مطالب آموزشی را روزانه در قالب دوره ابتدایی و متوسطه و بر اساس ساعت مشخص شده ارائه می‌دهد.

نیما بهادری معلم دوره ابتدایی شهرستان زرقان



برای ثبت نظر
لمس کنید

برای ثبت نظر
لمس کنید

چادر سفیدی در میان سیاه چادرها

با آموزش عشایر بیشتر آشنا شویم.

به دور از جوامع شهری در میان کوه‌های سر به فلک کشیده زاگرس و البرز عزیزمان، چادرهای سفید مدارس عشایری در میان سیاه چادرهای عشایر خود را نمایان می‌کنند. بعضی از دانش‌آموزان عشایری، صبح برای رسیدن به مدرسه چندین فرسخ راه را می‌پیمایند. در دهه اخیر تعدادی از مدارس عشایر به کانکس مجهز شده‌اند و به جای تخته سیاه از تخته وایت برد استفاده می‌کنند. مدارس عشایر در دوره ابتدایی بیشتر به صورت چندپایه و تعداد دانش‌آموزان در بیشتر مدارس بسیار کم و حتی بعضی از مدارس تک نفره است. مدارس عشایری در دوره ابتدایی به سه صورت اداره می‌شود: سیار، نیمه سیار و ثابت.

۱. مدارس سیار: دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی همراه ایل کوچ می‌کنند.
۲. مدارس نیمه سیار: در این مدارس با وجود اینکه والدین دانش‌آموزان کوچ می‌کنند، دانش‌آموزان به صورت‌های مختلف در محل باقی می‌مانند و به تحصیل ادامه می‌دهند.
۳. مدارس ثابت: این مدارس در محل‌های اسکان

عشایر فاقد کد روستایی تشکیل می‌شوند. آموزش عشایر در دوره ابتدایی با مشکلاتی نیز مواجه هست که به چند مورد از آنها می‌پردازیم:

- الف. دو زبانه بودن دانش‌آموزان
- ب. تعصبات و اختلافات طایفه‌ای
- ج. کوچ‌های سالانه خانواده‌ها
- د. بی‌سوادی والدین دانش‌آموزان
- ه. چند پایه بودن مدارس
- و. غیر ساکن یا غیر بومی بودن معلمان
- ز. استفاده از سرباز معلم‌ها و معلمان در دو نوبت
- ح. تأثیرپذیری مدارس عشایری از تغییرات جوی و وضع هوا.

دانش‌آموزان پس از اتمام دوره ابتدایی به مدارس شبانه‌روزی عشایری در شهرهای مختلف استان خود وارد و مشغول تحصیل می‌شوند. آموزش در مدارس شبانه‌روزی مثل آموزش در شهر و روستا است، با این تفاوت که دانش‌آموزان عشایر در خوابگاه اقامت می‌کنند و دور از خانه و خانواده آموزش را دنبال می‌کنند. آنها بعد از تقریباً دو ماه به مدت چند روز به دیدار خانواده می‌روند و بعد از اتمام مرخصی، به مدرسه باز می‌گردند. هرچند که

در مدارس شبانه‌روزی دانش‌آموزان از خانواده‌های خود دور هستند؛ اما آنها برای یک هدف بزرگ قدم در این راه گذاشته‌اند و این باعث می‌شود که سختی دوری از خانواده برایشان سهل شود.



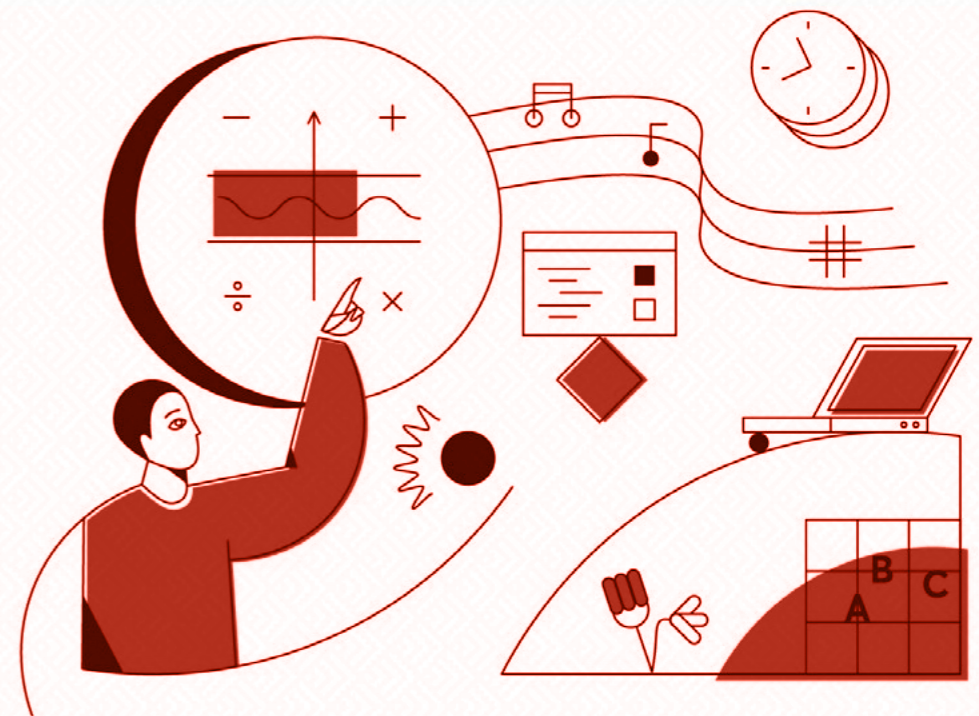
مصصام پناهی مفرد دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری



برای پخش آنلاین لمس کنید



برای ثبت نظر لمس کنید



در پیچ و خم هویت حرفه ای

هر ساله با فرارسیدن ماه مهر دانش‌آموزان و معلمان در مدارس حاضر می‌شوند، اما امسال با توجه به شرایط کرونایی، مدارس از نیمه شهریور از طریق آموزش حضوری و مجازی با توجه به وضعیت کرونا در مناطق مختلف شروع به کار کردند. بدیهی است که هیچ آموزشی جایگزین آموزش حضوری نخواهد بود، اما همان‌طور که آموزش حق دانش‌آموزان است، تأمین سلامت نیز حق آنهاست. تحقق این حقوق نیازمند همکاری متقابل هر چه بیشتر معلم و دیگر اعضای مدرسه با دانش‌آموزان و اولیاء آنهاست. در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰، ۸ هزار و ۷۴۰ نفر از دانشجو معلمان مشغول به امر مهم تدریس مشغول شدند. نو معلمانی که امسال باید با روشی متفاوت از نو معلمان سال‌های گذشته، اولین سال کاری خود را آغاز می‌کردند. از حرفه معلمی می‌توان به عنوان برترین جایگاه‌های اجتماعی یاد کرد که هم در عرف و هم در جامعه ارزش والایی دارد. معلم با تعلیم و تربیت بر لوح پاک سرشت انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و آنها را در مسیر درست هدایت می‌کند. مسلماً زندگی چیزی جز تجربه نیست، اما از آنجا که انسان نمی‌تواند تمام کارها را خود تجربه نماید؛ باید از تجارب دیگران استفاده نماید و می‌توان از تجربه به منزله دانش عینی یاد کرد که ما را مسلط بر امور آینده می‌کند. به همین منظور گفت‌وگویی با نو معلمان فارغ التحصیل رشته علوم تربیتی داریم تا سؤال‌هایی پیرامون چگونگی تدریس، چالش‌های تدریس و توصیه‌شان به دانشجو معلمان داشته باشیم.



محمد اله یاری پلنگی، فارغ التحصیل رشته علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان شهید رجایی شیراز. محل خدمت: بخش کامفیروز از توابع شهرستان مروحدث، مدرس پایه پنجم و ششم ابتدایی.

با توجه به وضعیت سفید در این بخش، آموزش به صورت ترکیبی سه روز حضوری و دو روز مجازی است. آموزش مجازی از طریق برنامه شاد صورت می‌گیرد، اما با توجه به اینکه زیر ساخت‌های لازم جهت آموزش مجازی در مدرسه وجود ندارد، چهار روز را به آموزش حضوری اختصاص داده‌ام. در خصوص پروتکل‌های بهداشتی نیز باید عرض کنم، سعی کردیم قبل از ورود دانش‌آموزان به کلاس، آنها را ضد عفونی کنیم و تأکید ویژه‌ای بر ماسک زدن آنها داریم. فاصله اجتماعی در کلاس کاملاً رعایت می‌شود، اما مشکلی که وجود دارد؛ تجمع دانش‌آموزان در زنگ‌های استراحت است که واقعاً نمی‌توان آنها را به هیچ شکلی از یکدیگر جدا کرد. با توجه به اینکه بنده دو پایه را تدریس می‌کنم، دانش‌آموزان را بر اساس پایه به دو گروه تقسیم کرده‌ام (کلاس ششم ساعت ۸-۱۱ و کلاس پنجم ساعت ۱۴:۳۰-۱۱:۳۰). در برنامه کلاسی در هر ساعت یک درس تدریس می‌شود که تأکید بیشتر روی دروس ریاضی، علوم و فارسی است. سبک آموزش و عدم حضور کامل دانش‌آموزان در مدرسه، برای آموزگاران علی‌الخصوص در مناطق محروم که دسترسی به امکانات آموزشی کم است، مشکلاتی را ایجاد کرده است. یکی از مسائل، حضور اختیاری دانش‌آموزان در مدرسه است که متناوب بودن حضور دانش‌آموزان در مدرسه باعث ایجاد وقفه در امر آموزش می‌شود، همچنین با توجه به اینکه در مناطق محروم؛ اولیاء به دلایل کاری، بی‌سواد



امینه سادات آناهید، فارغ التحصیل رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر شیراز. محل خدمت: ویلا شهر شهرستان نجف آباد، استان اصفهان، مدرس فارسی مقطع متوسطه اول.

مدارس که این روزها به خاطر بیماری کرونا تعطیل شده است، بیشتر در سکوت به سر می‌برد. البته دو هفته‌ی اول مدارس حضوری بود، اما تعداد دانش‌آموزان بسیار کم بود و ما کلاس‌های خود را با هفت الی هشت نفر می‌گذراندیم که آن هم با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و قرار گرفتن هر دانش‌آموز در یک نیمکت بود که این مانع از انجام فعالیت‌های گروهی دانش‌آموزان می‌شد. مدارس اکنون کاملاً مجازی شده و آموزش از طریق شبکه‌های مجازی پیش می‌رود. چون از همان ابتدا فقط یک سوم دانش‌آموزان به مدرسه می‌آمدند، ما باید از شب قبل محتوای آموزشی که فردا باید در کلاس به آن چند دانش‌آموز آموزش می‌دادیم را آماده می‌کردیم تا برای دانش‌آموزانی که مجازی بودند، در آن روز بارگذاری کنیم. خب برای این کار نیاز به استفاده از چندین برنامه بود. مثلاً من برای دانش‌آموزان به کمک برنامه‌هایی مثل «epik pen, balakboard, my screen recorder» و هم‌چنین با کمک پاور پوینت برای دانش‌آموزان فیلم آموزشی تهیه می‌کنم و برایشان ارسال می‌کنم. البته به غیر از این برنامه‌ها، برنامه‌های دیگری هم مثل Camtasia یا Premiere pro هست که چند باری باهاش کار کردم ولی نیاز به فرصت بیشتری برای یادگیری تمام امکاناتش دارم. ولی به طور کلی ساده‌ترین راه، استفاده از فایل پی دی اف کتاب درسی است که با کمک پاور پوینت از روی آن فیلم می‌گیریم و هر جا نکته‌ای خواستیم اضافه می‌کنیم، هایلایت می‌کنیم و یا خط می‌کشیم. همان‌طور که قبلاً عرض کردم تا زمانی که کلاس‌ها حضوری بود، دانش‌آموزان باید با فاصله‌های زیاد و دور از هم می‌نشستند که این کار امکان استفاده از روش بحث گروهی را از ما گرفت. ضمن آنکه چون همه‌ی دانش‌آموزان و هم‌چنین من باید در طول زمان کلاس از ماسک استفاده می‌کردیم، یادگیری دانش‌آموزان پایین می‌آمد و من هم دچار خستگی فراوانی در تدریس با ماسک می‌شدم و این خود باعث پرت شدن حواس دانش‌آموزان می‌شد؛ چون یا باید ماسک‌شان را درست می‌گذاشتند یا در حال الکل پاشی به وسایل‌شان بودند. از زمانی هم که تدریس مجازی شده، مشکلات جدیدتری به تدریس اضافه شده است. از آن جا که دانش‌آموزان منطقه‌ای که من درس می‌دهم، از نظر معیشتی در سطح پایینی هستند، خیلی از آنها گوشی موبایل ندارند و باید بگویم که حتی خیلی از آنها تلویزیون



محمد خنجر، فارغ التحصیل رشته دبیری ریاضی، دانشگاه فرهنگیان شهید رجایی شیراز. محل خدمت: شهرستان لنده، استان کهگیلویه و بویراحمد، مدرس ریاضی متوسطه اول.

اولین روزی که به مدرسه رفتم، تمامی دانش‌آموزان با شور و شوق وصف ناپذیر حاضر بودند. آنها دوست داشتند لحظات با هم بودن‌شان را دوباره تجربه کنند و درس بخوانند. کلاس‌های حضوری هر گروه، ۴۵ دقیقه در هفته هست و چالش بزرگی است؛ چون ۴۵ درصد کلاس گوشی ندارند و در تدریس مجازی که صورت می‌گیرد، نصف دانش‌آموزان از آموزش بی‌بهره اند و من معلم باید در این ۴۵ دقیقه دانش‌آموزان را علاقه‌مند به درس ریاضی کنم و هم تدریس داشته باشم، اما با وجود این سختی‌ها وقتی دانش‌آموزان لبخند رضایت از تدریست دارند، احساس رضایت بخشی به یک معلم دست می‌دهد. با وجود شرایط حاکم بر کلاس، باید من معلم و دانش‌آموزانم در این ۴۵ دقیقه تلاش کنیم بهترین خود باشیم.

چالش‌های اساسی آموزش در شرایط فعلی این است که پروتکل‌های بهداشتی بخصوص در زنگ‌های استراحت توسط دانش‌آموزان به صورت کامل رعایت نمی‌شود و حس هم‌دوستی و فداکاری کمتر دیده می‌شود. از دیگر چالش‌های دانش‌آموزان این مقطع، بلوغ آنهاست که باعث ایجاد رفتارهایی نامتعارف در آنها می‌شود. دانش‌آموزان اغلب پایه‌های ضعیفی دارند که این مورد حاکی

عادی هم ندارند تا لااقل حالا که به فضای مجازی دسترسی ندارند، بتوانند برنامه‌های شبکه‌ی آموزش را تماشا کنند.

چالش بزرگی که بیشتر اوقات با آن روبه‌رو هستیم، استفاده از شبکه‌ی آموزشی شاد است که به دستور مدیر مدرسه مجبوریم فقط از این شبکه استفاده کنیم و از شبکه‌های اجتماعی خارجی مثل واتساپ نباید زیاد استفاده کنیم؛ علت آن هم این است که شبکه‌ی شاد برای دانش‌آموز رایگان است و همان‌طور که گفتم چون سطح معیشتی این دانش‌آموزان پایین است، برای رعایت حال آنها باید از این شبکه استفاده شود. اما چالش اصلی اینجا است که حتی این شبکه به خوبی کار نمی‌کند و بارها در میانه‌ی تدریس قطع می‌شود.

یا اگر بخواهم از دانش‌آموزان امتحانی بگیرم یا پرسش کلاسی داشته باشم، خیلی از آنها ساعت‌ها بعد از ساعت معین شده برای امتحان، برگه‌ی امتحان خود را برایم می‌فرستند و در واقع امتحان شکل امتحان ندارد. چالش‌های تدریس مجازی بسیار زیاد است که اگر بخواهم تک‌تک آنها را بگویم شاید چندین صفحه شود.

دوست داشتم اگر به دوران دانشجویی خود برمی‌گشتم، از اساتید در خواست می‌کردم تا روش‌های تدریس مجازی را هم به ما آموزش دهند. مثلاً شیوه‌ی تدریس آموزش از راه دور چندین سال هست که وجود دارد، ولی خب جزء موارد آموزشی به دانشجو نیست؛ در حالیکه به نظر من یک معلم باید همه‌ی شیوه‌ها چه مجازی و چه حضوری را بلد باشد. یا اینکه واحدهای فناوری در دانشگاه به جای آموزش چند برنامه‌ی ساده که بیشتر آنها هم به برنامه‌های office محدود می‌شود، دانشجویان را با برنامه‌های تولید محتوای آموزشی متنوع‌تری آشنا کنند.

به عنوان آخرین حرف دوست دارم به دانشجویان عزیزی که سال‌های بعد در لباس شریف معلمی قرار می‌گیرند بگویم که از همین الان حتی اگر واحدی در دروس شما تحت عنوان تولید محتوای مجازی قرار ندارد، بروید و از راه‌های مختلف آنها را یاد بگیرید یا از اساتید محترم بخواهید قسمتی از آموزش خودشان را به روش‌های تدریس مجازی و تولید محتوای مجازی بپردازند.

از متد و روش‌های اشتباه آموزشی است.

اگر این امکان وجود داشت که به دوران دانشجویی‌ام برگردم، دنبال پاسخ تمام سؤالاتی بودم که در زمان دانشجویی برایم بوجود می‌آمد و تلاش می‌کردم علاوه بر مطالعات درسی، مطالعات غیردرسی هم شامل مواردی که دانش‌آموزانم می‌پرسند (خودشناسی، خدانشناسی و شناخت اجتماع) را فرا گیرم؛ زیرا در شغل مقدس معلمی علاوه بر اینکه مسئول اعمال و افکار خود هستیم، مسئول اعمال، افکار و روح پویای دانش‌آموزان‌مان نیز هستیم. دانشجویان باید میزان مطالعه خود را بالا ببرند؛ زیرا روح دانش‌آموزان تشنه یادگیری چه در حیطه درسی و چه در حیطه زندگی است و شاهد این خواهید بود که با ارتقاء تفکر در زمینه‌های مختلف، کلاسی فعال و نشاط‌آور خواهید داشت. همچنین توصیه می‌کنم در دوران دانشجویی مهارت و فنی را یاد بگیرید که بتوانید با آن درآمدزایی کنید، چرا که بعد از مدرسه زمان زیادی خواهید داشت که با وجود داشتن مهارت کاری، می‌توانید به نحو احسن آن زمان را پر کنید.



ناهید صالحی، فارغ التحصیل دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر شیراز. محل خدمت: سپیدان، مدرس پایه پنجم پسرانه.

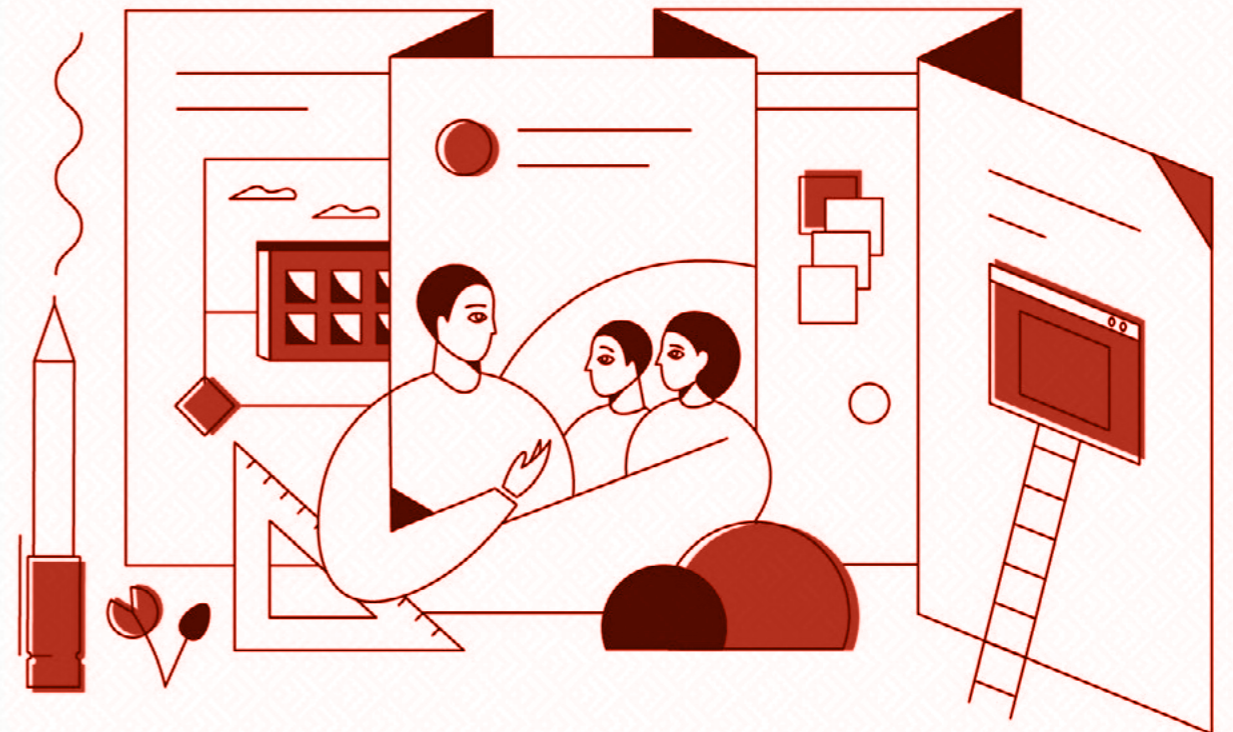
تدریس به صورت ترکیبی؛ حضوری و مجازی است که دو روز حضوری و سه روز مجازی است. با توجه به اینکه تعداد دانش‌آموزانم ۱۲ نفر است، پروتکل‌های بهداشتی به خوبی رعایت می‌شود. از برنامه‌های شاد، whats app Power point, x recorder, ZD Soft Screen Recorder استفاده می‌کنم که دو برنامه اول بیشتر جهت برقراری ارتباط با دانش‌آموزان است و از بقیه برنامه‌ها برای تولید محتوا استفاده می‌کنم.

مسئله اولی که در این مدت با آن مواجه بودم، عدم تسلط کافی دانش‌آموزان روی مطالب درسی سال قبل به دلیل تدریس مجازی است و ارتقا آنها به پایه بعد است؛ مثلاً در هنگام تدریس ارزش مکانی می‌لپارد، دانش‌آموز ارزش مکانی یکان، دهگان، هزارگان و میلیون را فراموش کرده است یا اینکه خوب یاد نگرفته است. وضعیت علمی دانش‌آموزان با توجه به پایه تحصیلی‌شان ضعیف است که باعث صرف وقت بیشتر در آموزش می‌شود. مسئله دوم

این است که چون تحلیلی روی کتاب‌های درسی نداشته‌ام، در هنگام تدریس دقیقاً اطلاع ندارم دانش‌آموز چه مباحثی را یاد گرفته است.

اگر به دوران دانشجویی خود بازگردم، سعی می‌کنم حتماً یک تحلیل روی کتاب‌های شش پایه داشته باشم، درست است که بنده به گونه‌ای عمل کردم که این ضعف برطرف شد و همچنین در تدریس مجازی به گونه‌ای عمل کردم که اولیا با مقایسه بنده با معلمان قبلی، متوجه تدریس بهترم شدند، اما بهتر بود که این کار در زمان دانشجویی‌ام انجام می‌شد.

هنگامی که مشغول به کار می‌شویم یک استرس خاصی داریم، حال اگر علم مقبولی نیز نداشته باشیم، باعث کاهش اعتماد به نفس‌مان می‌شود که این مورد روی تدریس‌مان تاثیر می‌گذارد؛ پیشنهادم به دانشجو معلمان این است که با علم کافی وارد این حیطه شوند.



نگار قاسبی، فارغ التحصیل دانشگاه فرهنگیان باهنر شیراز. محل خدمت: روستای شهرک طالقانی بندر ماهشهر، مدرس پایه اول ابتدایی.

مدرسه خالی از دانش‌آموز و شور و شوق همیشگی است. اکثر دانش‌آموزانم از طریق برنامه شاد آموزش می‌بینند، عده‌ای به صورت حضوری (در حد ۳ الی ۴ نفر) و چند نفر هم به دلیل حضور نداشتن در مدرسه و برنامه شاد به صورت تهیه درسنامه آموزش می‌بینند. در مجموع دانش‌آموزانی که در مدرسه هستند، دو ساعت و نیم آموزش می‌بینند. در آموزش حضوری به دلیل سن کم دانش‌آموزان پروتکل‌های بهداشتی به صورت کامل رعایت نمی‌شود. طرز اداره‌ی کلاس با توجه به تعداد اندک دانش‌آموزان در کلاس کاملاً با چیزی که در کلاس فکر می‌کردم، متفاوت است. برای آموزش‌هایم از برنامه تلگرام بیشترین استفاده را می‌کنم.

برجسته‌ترین چالشی که در این سال تحصیلی با آن مواجه هستم، دو زبانه بودن دانش‌آموزان است. همچنین بعضی از دانش‌آموزانم نمی‌توانند به زبان فارسی صحبت کنند و این بزرگ‌ترین چالش برای من است. چالش‌های

آموزش مجازی مواردی چون ضعف بودن اینترنت، عدم تعامل مستقیم با دانش‌آموزان و عدم آگاهی دقیق از سطح یادگیری و پیشرفت آنها است. اگر به دوران دانشجویی‌ام بازگردم، دوره‌های کارورزی را به صورت جدی‌تر می‌گذراندم و فارغ از فعالیت‌هایی که اساتید دانشگاه از ما می‌خواستند، سعی می‌کردم مهارت‌های معلمی را بیشتر بیاموزم؛ از جمله اینکه کلاس‌های درس معلم‌های راهنما را چند جلسه مدیریت می‌کردم و به عنوان معلم یار دروس را برای دانش‌آموزان تدریس می‌کردم.

پیشنهادم به دانشجو معلمان این است که از همان ابتدای ورودشان، تمام دروس ابتدایی را صفحه به صفحه بررسی کنند و با انواع مشکلات یادگیری بچه‌ها آشنایی پیدا کنند تا با آمادگی و اعتماد به نفس بیشتری در کلاس درس به عنوان معلمی مستقل حاضر شوند.



راضیه ناصری، فارغ التحصیل رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر شیراز. محل خدمت: شهرستان رستم، مدرس چند پایه (اول، پنجم، ششم).

این است که از دوران دانشجویی به خوبی استفاده کنند و قدر لحظه‌های با هم بودن را بدانند، ولی در کنار این موارد بررسی کتاب‌های ابتدایی توسط خودشان را نیز توصیه می‌کنم.

همان‌گونه که نباید کارکرد مدرسه را صرفاً انتقال اطلاعات علمی دانست، نباید کارکرد دانشگاه فرهنگیان را صرفاً ارائه دروس تئوری دانست و درس‌های ارائه شده در دانشگاه، دانشجویان را برای حضور در هر شرایطی آماده سازد. بنابر گفته‌های نو معلمان، دانشجو معلمان باید دانش خود را در عمل به کار برند و از موقعیت کارورزی نهایت و تجارب معلمان راهنما نهایت استفاده را ببرند.

از آنجایی که مقطع ابتدایی مهم‌ترین مقطع تحصیلی دانش‌آموزان است، لذا باید معلمانی خبیره به آموزش این دانش‌آموزان بپردازند و در تمامی مقاطع تحصیلی معلمان با روحیات مختلف دانش‌آموزان در سنین مختلف آشنا شوند. شاید شرایط کرونایی نگرانی‌هایی در حیطه آموزش به وجود آورده است، اما بستر خوبی برای کسب دانش و تجربه در زمینه یادگیری معکوس و آموزش از راه دور را فراهم کرده است. به یاد داشته باشیم آنچه ما را به یک معلم توانمند و حرفه‌ای تبدیل می‌کند، مواردی شامل علم کافی، مهارت‌های مرتبط با شغل معلمی، شناخت روح و روان دانش‌آموز با مطالعه کتاب‌های روانشناسی، یادگیری روش‌های مختلف تدریس مانند یادگیری معکوس، استفاده از تجارب اساتید و معلمان حاذق، تحلیل کتاب‌های درسی و آمادگی برای تدریس در هر شرایطی است.

در مدرسه‌ای که من مشغول به کار هستم به دلیل تعداد کم دانش‌آموزان، تدریس به صورت حضوری است. حضوری شدن مدرسه هم در این شرایط کرونا سختی‌هایی دارد؛ از جمله اینکه دانش‌آموزان مخصوصاً دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر در زدن ماسک خیلی مشکل دارند ولی به هر حال مسئله‌ای است که همه باید رعایت کنند. بنده در کلاس پروتکل‌های بهداشتی را رعایت می‌کنم، به این صورت که دانش‌آموزان هر کدام روی یک نیمکت و به صورت ضربدری می‌نشینند، همه ماسک می‌زنند، از وسایل شخصی خود استفاده می‌کنند و تحت هیچ شرایطی حق استفاده از وسیله‌ی یکدیگر را ندارند. با وجود امکانات کم مدرسه و کمبود زمان به دلیل چند پایه بودن، به نظر من معلم باید با توجه به شناختی که از دانش‌آموزان پایه‌های مختلف دارد، شیوه اداره کلاس را متناسب با شرایط و موقعیت‌های متفاوت بسنجد و هر کدام که مناسب‌تر است را انتخاب نماید؛ در این امر خلاقیت معلم کمک شایانی می‌کند.

کلاس‌های چند پایه مشکلات خودش را دارد؛ از جمله کمبود امکانات و کمبود زمان و... که اگر دانش‌آموز دارای اختلال یادگیری در کلاس باشد، بسیار می‌تواند روی مسئله‌ی زمان تاثیر بگذارد. در این مواقع معلم باید سعی کند به بهترین نحو کلاس را اداره کند که هم دچار کمبود وقت نشود و هم به دانش‌آموز دارای اختلال یادگیری کمک کند.

اگر به دوران دانشجویی خود بازگردم، حتماً و حتماً کتاب‌های ابتدایی را بررسی می‌کنم و سعی می‌کنم از واحد کارورزی نهایت استفاده را ببرم، چون تجربه از نظر من خیلی از علم قوی‌تر است. توصیه بنده به همکاران آینده‌ام

گردآورنده گزارش:

فاطمه نوروزی
دانشگاه فرهنگیان
مرکز سلمان فارسی شیراز



برای ثبت نظر
لکس کنید

اقتصاد دانش بنیان لازمه تحقق جهش تولید



مریم انصاف دانشجو
دانشگاه فرهنگیان
مرکز سلمان فارسی



چکیده

امروزه اقتصاد دانش بنیان به عنوان یکی از جدیدترین مباحث در علوم اقتصادی مطرح می‌باشد. نقش دانش در اقتصاد به دلیل بهبود بهره‌وری عوامل تولید و همچنین ضرورت آن برای جهش تولید از گذشته مورد توجه قرار گرفته و جایگاه آن به عنوان عوامل درون‌زا در رشد اقتصادی درخور توجه است. با توجه به این که در اقتصاد دانش بنیان، تولید، توزیع و کاربرد دانش محرک اصلی رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در فعالیتهای اقتصادی است، فرآیندهای خلق دانش، ذخیره سازی، اشتراک و به کارگیری آن باید به دقت برنامه‌ریزی شود تا پیشرفت اقتصاد دانش بنیان را تضمین کند. برای دستیابی به اقتصاد دانش بنیان بایستی شرایط لازم برای ابداع و نوآوری فراهم شود تا توانایی تبدیل ایده‌ها به محصولات از طریق سرمایه‌گذاری، به تولید محصولات جدید منجر شود. در این مقاله تعریف اقتصاد دانش بنیان به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهای مناسب برای تسریع همگانی کردن و توسعه آن برای کمک به جهش تولید مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه: اقتصاد دانش بنیان، جهش تولید، برنامه‌ریزی، سرمایه انسانی.

مقدمه

در شکل ایده‌آل، نوآوری دارای ظرفیتی برای بهبود عملکردها، حل مشکلات، افزودن اعتبار و ایجاد مزایای رقابتی برای شرکت‌ها می‌باشد. نوآوری در مفهوم گسترده‌تر به عنوان اجرای اکتشافات و ابداعات و فرآیندی که توسط آن نتایج جدید، به صورت تولیدات، سیستم‌ها یا فرآیندها که یا به عرصه وجود می‌گذارند، می‌باشد. فرآیندهای مربوط به نوآوری به شدت بستگی به دانش، به ویژه زمانی که دانش، محدوده‌ای فراتر از داده اطلاعات و منطق قراردادی را شامل گردد، دارد. در واقع قدرت دانش در ارتباط با ذاتی بودن آن ارزش‌های اصولی و فرضیاتی می‌باشد که تحت پشتیبانی فرایند یادگیری می‌باشد. از آنجایی که تمایزات پیشین بین اهداف سازمانی، خدمات و ایده‌ها از بین رفته است، دانش نقش مهم‌تری را عهده‌دار می‌باشد. به گفته استوارت، مدیریت دانش و سرمایه انسانی به عنوان ابزار مهمی برای مدیریت هر نوع کسب و کار بوده، با این وجود تعداد کمی از افراد این حوزه رقابتی را درک می‌کنند و با توجه به پتانسیل مدیریت دانش و سرمایه فکری به عنوان منبع نوآوری‌ها و نوسازی، استراتژی‌های کسب و کار می‌بایست تمرکزش را بیشتر بر روی این موضوعات قرار دهد. تمرکز بر روی موضوعات مربوط به توان و سرمایه فکری در کسب و کار عمومی و تحقیقات مدیریتی دارای کاربردهایی در زمینه مدیریت دانش می‌باشد، که در آن مدیریت اطلاعات به عنوان یک سیستم خدماتی نسبتاً بی‌طرف و قانونی مطرح است. از این رو با توجه به نقش دانش در تمامی زمینه‌های اقتصاد باید تدبیری اندیشه شود تا دانش به طور گسترده‌ای در حیطه اقتصاد از جمله جهش تولید نیز کارآمد باشد، زیرا در صورت توسعه اقتصاد دانش بنیان، دانش، تمامی کارکردهای خود را در زمینه‌های مختلف گسترش داده و

بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی از طریق نوآوری‌های فرآیند و محصول/ خدمات به نحوی کارا صورت می‌پذیرد» (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۰). همراستایی دو مفهوم دانش و ثروت در اقتصاد دانش بنیان سبب افزایش مزیت رقابتی و ایجاد ارزش افزوده و زمینه‌ساز تحقق جهش تولید خواهد شد. دانش

و فناوری امروزه در علم اقتصاد به عنوان مؤلفه اصلی سیستم اقتصادی به شمار رفته و با به کارگیری دانش و استفاده بهینه از منابع، افزایش تولید و تولیدات به صرفه در راستای قدرت ملی کشورها ایجاد می‌کند. اساسی‌ترین زیرساخت‌های اقتصاد دانش بنیان موجود سرمایه انسانی، نوآور و دانش متکی به علم روز دنیا است که شرکت‌های دانش بنیان در کشور نیز از همین درجه برخوردار بوده و با توجه به دارا بودن ظرفیتهایی نظیر اقتصاد مبتنی بر دانش بومی و اتکا به توان علمی و پژوهش

داخلی از ارکان بسترسازی توسعه در چارچوب اقتصاد به شمار می‌رود (سایت راهبرد ملی، ۱۳۹۹). به دلیل اهمیت شرکت‌های فناوری، تسهیلات ویژه‌ای برای این شرکت‌ها در نظر گرفته شده است؛ از جمله این تسهیلات:

۱. معافیت بیمه‌ای برای شرکت‌های دانش بنیان ۲. معافیت‌های مالیاتی برای شرکت‌های دانش بنیان ۳. پوشش بیمه‌ای مناسب برای محصولات دانش بنیان ۴. اولویت در استقرار مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری (سایت خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۹). به رغم درنظر گرفتن تسهیلات و همچنین رفع چالش‌های موجود در فراروی شرکت‌های دانش‌بنیان طی سال‌های گذشته، کماکان چالش‌هایی مانع تحقق رسالت کامل آنها است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: عدم شناخت کافی در کشور نسبت به برنامه و اهداف شرکت‌های دانش بنیان و مغفول ماندن استفاده از ظرفیت‌های این شرکت‌ها. مشکل این شرکت‌ها در زمینه تأمین سرمایه و نقدینگی لازم. واردات بی‌رویه‌ی کالاهای مشابه خارجی با کالاهای تولید شده توسط شرکت‌های دانش بنیان داخلی.

ورود کالاهای قاچاق به کشور و مقرون به صرفه نبودن تولیدات دانش بنیان. عدم دسترسی به بازارهای جهانی و نبود بازار مناسب داخلی برای محصولات شرکت‌های دانش بنیان، در کنار نبود دانش کافی در علم و تجارت و بازاریابی در بین این شرکت‌ها؛ از جمله چالش‌هایی است که در برابر رشد و توسعه‌ی شرکت‌های دانش بنیان قرار دارد. برای حل این چالش‌ها راهکارهایی وجود دارد که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره می‌شود: فعال‌تر شدن پارک‌های علم و فناوری و مراکز وابسته و تعمیق ارتباط مراکز رشد فناوری با واحدهای تولیدی که بسترساز نقش آفرینی بهتر این شرکت‌ها و رونق واحدهای تولیدی و صنعتی و رونق تولید و رونق اقتصادی خواهد بود.

تداوم و افزایش پرداخت تسهیلات هدفمند (وام‌های با بهره‌ی پایین یا بدون بهره با زمان تنفس کافی به شرکت‌های دانش بنیان) در جهت تأمین سرمایه و نقدینگی مورد نیاز این شرکت‌ها. آموزش و حمایت از شرکت‌های دانش بنیان در تجاری‌سازی و بازاریابی فرهنگ‌سازی عمومی در جهت خرید محصولات دانش بنیان از طریق تشویق و حمایت از صنایع داخلی در مقابل محصولات رقبای خارجی.

توجه به عدم همسازی قاچاق کالا با رونق تولید و جهش تولید؛ لذا استفاده از محصولات داخلی و توجه به دست ساخته‌های جوانان و کارخانه‌های ایرانی از یک طرف و از طرف دیگر جلوگیری از قاچاق امری ضروری تلقی می‌گردد.

ایجاد بسترهای حمایتی از شرکت‌های دانش بنیان برای اخذ استانداردهای فنی، مدیریتی و تجاری جهانی و ورود به عرصه‌های بین‌المللی و نمایشگاه‌های بین‌المللی. افزایش همکاری در تحقیقات کاربردی بین صنعت و دانشگاه و اهتمام جدی به تغییر ماهیت دانشگاه‌ها به دانشگاه کارآفرین (سایت راهبرد ملی، ۱۳۹۹).

با توجه به تغییرات ساختار اقتصادی جهان و تحرک و پویایی در عرصه تولید، کشور ایران اسلامی نیز با اتخاذ راهبرد اساسی اقتصاد مقاومتی و تکیه بر دانش بومی طی سال‌های اخیر، شاهد فعالیت‌های مفید و راهگشا در عرصه اقتصادی بوده است، یکی از محورهای نوآورانه در اقتصاد کشور حمایت و تأسیس شرکت‌های اقتصاد دانش بنیان است. برنامه‌ایی که می‌تواند در جهش تولید و کسب ثروت برای جامعه نقش طلایی ایفا نماید (سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۹).



نتیجه‌گیری

ما باید نگاهمان را به تولید تغییر دهیم. اقتصاد دانش بنیان به عنوان عامل تولید محسوب می‌شود؛ در کلمه اقتصاد دانش بنیان منظور از دانش، کار دانشگاهی است و منظور از کار دانشگاهی این است که دانشگاه سرمایه انسانی متخصص، سرمایه فناوری، دانشی و کارآفرینی و سرمایه اجتماعی لازم برای انجام یک کار تولیدی موفق و پیشرفته را آماده می‌سازد؛ به نحوی که مدام کالاهای در حال تغییر و متنوع و توسعه یافته را بتواند به کشور و جامعه ارائه کند. ما باید زیرساخت‌های تولیدی را انعطاف‌پذیر و مجهز و آماده کنیم تا آدم‌های مبتکر بتوانند آن کالا یا خدماتی را که تولید و ابتکار کرده‌اند، به جامعه ارائه دهند که این یکی از لوازم است که باید در کشور اتفاق بیفتد. ما باید به طرف ایجاد خط تولید انعطاف‌پذیری برویم که در خدمت همه قرار بگیرد. اتفاق دیگری که باید برای جهش تولید رخ دهد این است که، باید برای جهش تولید اولویت‌گذاری شود. یعنی باید بررسی شود که چه چیزی تولید شود و چه چیزی تولید نشود. در این راستا باید نیازسنجی شود. در دو یا سه سال اخیر بحث تولید داخلی و حمایت از تولیدات داخلی و کالای ایرانی و رونق تولید بیان شد و امسال نیز جهش تولید مطرح است که این نشان از اهمیت این مسائل دارد. با توجه به این امر مهم دانشگاه‌ها، دانشجویان و اساتید مخصوصاً در زمان شیوع کرونا و تعطیلی دانشگاه‌ها باید فرصت را غنیمت شمرده و پژوهش‌های لازم را در این زمینه داشته باشند. بنابراین باید از ظرفیت وجودی نخبگان و دانشگاهیان برای جهش تولید استفاده کرد. نه تنها این دولت بلکه دولت‌های گذشته این چنین وضعیتی دارند که دایره را دور خود بسته نگه داشته‌اند و از این نیروها استفاده نمی‌کنند. برای ایجاد تحول در خودروسازی، صنایع دیگر و صنایعی که در کشور ما سابقه دیرینه دارند، نیاز به کمک نخبگان و دانشمندان، بیرون از بدنه دولت است.

منابع

۱. قاسمی و همکاران (۱۳۹۷ش)، الزامات دستیابی به اقتصاد دانش بنیان در سطح کلان: تحلیل چارچوب قانونی در ایران و ارائه توصیه‌های سیاستی، ۱۰۰.
۲. سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی www.irna.ir ، (۱۳۹۹ش).
۳. سایت خبرگزاری دانشجو www.snn.ir ، (۱۳۹۹ش).
۴. سایت خبرگزاری دانشجویان ایران "ایسنا" www.isna.ir ، (۱۳۹۹ش).
۵. سایت خبرگزاری رسا www.rasanews.ir ، (۱۳۹۹ش).
۶. سایت راهبرد ملی www.nationalstrategy.ir ، (۱۳۹۹ش).



برای ثبت نظر
لحس کنید

سفید پوشان

ادعای

یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ
کنار دیواری ایستاد و به آن تکیه زد. اینجا کمی خلوت تر بود.
می توانست کمی استراحت کند.
در آن هیاهو خودش را گم کرده بود. یادش نمی آمد که بود
یا اینکه چه دلش می خواسته!
فقط یک چیز می دانست: اگر کنار همین دیواری که بر آن تکیه زده، ناامید شود همه چیز را باخته! همسرش را... کودک شیرین و دلبندهش را... حتی جان عزیزتر از جاننش را.
در همان حال که ایستاده بود، چشمان کم سو و بی رمقش را بست. قول داد که نخوابد.
صحنه قدیمی سال نو را به خاطر آورد. این بار نتوانست میان غم هایش لبخند بزند.
وقتی دخترش یا مُخَوَّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالِ را می خواند، او کنار بیماری که جاننش را از دست می داد، باید جان می گرفت.
پسر تقریباً هم سن و سال دخترش بود، ترسید! برای دختری که مادرش را در کنارش نداشت تا مراقبش باشد، ترسید.
اما نباید لبخندش را فراموش می کرد، یعنی اجازه نداشت!
هیچ وقت نباید به خودش اجازه می داد مرگی، جان زنده ای را که روی تخت کناری جان می کند تا نمیرد؛ متأثر کند.
فکر کرد: تا ابد این طور نخواهد ماند.
چشمان کم جان و بی حالش را آرام باز کرد. هیچ چیز تغییر نکرده بود.
هنوز به دیوار تکیه زده بود؛
هنوز کودکی زجه می زد؛
صدای سرفه پیرزن ستم کشیده ای، هنوز نمی گذاشت دختر جوان بیست و یک ساله بخوابد.
و هنوز کسی از پشت تلفن به پرستاری التماس می کرد تا بتواند کودک

هشت ساله اش را فقط یک لحظه ببیند و برود؛ اندازه زمانی که طول می کشد تا پلک بزند. مادر از پشت تلفن داد می زد: بی انصاف! فقط یک لحظه، بیشتر از آن طول نمی کشد! با این حال اینجا خلوت تر بود. با خودش اندیشید: بی انصاف. پوزخندی زد؛ اما کسی او را نمی دید. در دلش گفت: فقط یک لحظه؟! اندازه زمانی که طول می کشد تا پلک بزنم، یا شاید کمتر از آن. فرصتی برای من نیست تا به دخترم فکر کنم.
اشک در چشمانش جمع شد؛ اما قول داده بود خودش را نبازد. عهد کرده بود که برخلاف خیلی دیگر از آدم های مهم، سر کار نخوابد. از کنار دیوار رفت و پشت میز پذیرش پیش همکارش ایستاد.
صورتش از حجم گرمای لباس سرد و بی روحش، سرخ شده بود و تنش از خستگی می سوخت. گاهی وقتها این لباس سفید، آتش سرخ رنگ درونش را برای دیگران گویا می کرد یا شاید هم زبانش از گفتن قاصر بود!
اما شاید همین گرما بود که لباس سفیدش را در چشم بقیه به مهر یک فرشته و یا آرامش نجات تبدیل می کرد.
قلبش هم می سوخت، با شدتی بیشتر از سوزش تنش.
مهر مادری را که تنها یک



لحظه فرصت می خواست، مزه مزه کرده بود، طعمش را خوب چشیده بود و می فهمید. تلفن را از دست مسئول پذیرش کشید؛ فقط چند لحظه صبر کنید. اندازه زمانی که طول می کشد تا برای شروع بهار خوشحال شوم. اندازه زمانی که طول می کشد تا خودم را راضی کنم پشت این نقاب غم آلود بخندم! فقط چند لحظه صبر کنید تا تلفن را به دخترتان برسانم. از قول من یا نه! از قول خودتان.
به دخترتان بگویید: اگر بر روی تختی که روی آن بی حال افتاده است خودش را ببازد؛ همه چیز را از دست خواهد داد!
نگاه نگران مادری که از تمام زندگی اش فقط یک لحظه نگاه کردن به دخترش را التماس می کند. آینده ای که می تواند تغییر دهد؛ لبی که بخنداند، حتی از پشت دهها نقاب بر روی صورتش!
حتی جاننش را خواهد باخت!
...روز بعد وقتی پس از دو ساعت خواب بیداری بلند شد، به دخترک نگریست، او هم اکنون بیدار بود. ماژیکی را از کنار تابلویی که بالای سر دخترک بود، برداشت.
آن را به دخترک داد و به او گفت: «امروز حالت بهتر است و آنقدر قدرت داری که پشت لباسم بنویسی: گرچه این شهر هراسان شده از بیماری من پرستارم و عمریست خطر کرده دلم.»
پرستار خسته از کمین آن ناشناس محو شده در شهر، دستش را روی قلبش گذاشت. کسی انگار با صدایی آرام؛ اما پر تنش در دلش می گفت: چند ماه پیش نشد که بخوانی، اکنون من برایت زمزمه می کنم:
یا مُخَوَّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالِ
حَوَّلَ حَالِنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ ...

برای بخش آنلاین لمس کنید

برای ثبت نظر لمس کنید

مرضیه شاکری
دانشجوی دانشگاه فرهنگیان
مرکز سلمان فارسی

گالری مهبانگ (آن روزها)

پرديس شهيد رجایی



مرکز سلمان فارسی



پرديس شهيد رجایی

مرکز سلمان فارسی



مرکز آموزش عالی شهيد مطهری



مرکز سلمان فارسی

تصویر برداران:

- سهیل خواجوی
- نیما بهادری
- محمد احمدی
- احمد رضا کاردان
- نرجس بیگی
- فاطمه ادب دوست

مرکز سلمان فارسی



مرکز سلمان فارسی



پرديس شهيد رجایی



مرکز آموزش عالی بهشت



مرکز آموزش عالی شهيد مطهری

برای ثبت نظر لمس کنید



معلمان موفق متفاوت عمل میکنند

خلاصه کتاب

اثر بخشی معلمان در دانسته‌های آنها نیست، بلکه در کارهایی است که آنها انجام می‌دهند. این کتاب سعی می‌کند متفاوت عمل کردن را به معلمان بیاموزد. هدف این کتاب آن است که چشم‌انداز مدرسه را از دید معلمان برتر به نمایش بگذارد. در این کتاب به توضیح ۱۷ نکته مهم همراه با مثال‌های کاربردی برای تأثیرگذاری و موفقیت معلمان در اداره و مدیریت کلاس درس پرداخته می‌شود و همچنین بر عملکردها، شیوه‌ها و تعامل در چارچوب اصلی زندگی در کلاس و مدرسه تمرکز دارد. بهترین معلمان همواره معلمانی هستند که در درجه اول دانش‌آموزان را کانون توجه مدارس قرار می‌دهند و همچنین از نقطه نظر دانش‌آموزان‌شان به مسائل نگاه می‌کنند و عامل سوم، این است که معلمان بزرگ وقتی مطلبی را بیان می‌کنند، منظور خود را به طور شفاف توضیح می‌دهند. گاهی اوقات افراد از معلمان موفق راه موفقیت و از افراد غیرمؤثر اینکه چه کارهایی را انجام ندهند، یاد می‌گیرند؛ اما کار به این سادگی نیست. ما همیشه نمی‌توانیم با حذف گزینه‌های منفی مثل این‌که با طعنه

صحبت نکنیم، تمایز نگذاریم و... کار خود را بدون هیچ سختی و چالشی پیش ببریم؛ بنابراین با خواندن این کتاب می‌توانیم با برخی از اندیشه‌های جدید آشنا شویم. گاهی اوقات افراد گمان می‌کنند که کارشان را به خوبی انجام می‌دهند؛ اما تنها برخی از آنها درست فکر می‌کنند. کسانی که از نحوه رفتار خودشان با دیگران اطلاع دارند و به این می‌اندیشند که رفتارشان در نظر دیگران چه نمودی دارد، به طور کارآمدتر و اثربخش‌تر کار می‌کنند. به عنوان یک معلم باید بدانیم که اصل احترام به دانش‌آموزان بدون توجه به اینکه آنها چگونه رفتار می‌کنند، بسیار مهم است. آنچه که همه ما به آن نیاز داریم، این است که مانند معلمان موفق و نمونه عمل کنیم و کاری که آنها انجام می‌دهند این است که با تغییرات وفق پیدا می‌کنند بدون اینکه بیش خود را در رابطه با آن که واقعاً مهم است، از دست بدهند. اگر معلمان یک مدرسه ممتاز و عالی باشند، آن مدرسه قطعاً ممتاز خواهد بود. نقش معلمان در تعالی مدارس نقش محوری است، پس راه حل اصلی برای بهبود مدارس این است که افراد شایسته را به کار گیریم.

جملات برگزیده کتاب

✓ معلمان برتر می‌دانند عاملی که می‌تواند باعث ایجاد تغییر و تفاوت در کلاس درس‌شان شود، خود آنها هستند.

✓ معلمان برتر یک هدف را دنبال می‌کنند و آن این است که از وقوع دوباره آن رفتار جلوگیری می‌کنند.

✓ معلمان بزرگ در کلاس‌های درس خود یک فضای مثبت ایجاد می‌کنند؛ آنها با همه افراد با احترام رفتار می‌کنند، به طور خاص آنها قدرت تحسین را می‌دانند.

نظرات خوانندگان

✓ کتابی خوب و کاربردی است که در بهبود کیفیت کار معلم‌ها، می‌تواند کمک کننده باشد.

✓ این کتاب یک نیاز مهم برای معلمان عزیز است.

✓ کتابی که می‌تواند تسلط بر فضای کلاس و دانش‌آموزان را بالا ببرد.

زهرا اسکندری
دانشگاه فرهنگیان
مرکز سلمان فارسی



برای پخش
آنلاین لمس کنید



برای ثبت نظر
لمس کنید

الفبای آلفا

در صورت تمایل به استفاده، هم اکنون می‌توانید برنامه آلفا را از وبسایت آلفا به نشانی www.alphaa.app دانلود و نصب نمایید.



در صورتی که ویدیویی به صورت کامل، ناقص و یا اصلاً دیده نشده باشد، معلم متوجه خواهد شد. در بخش تعاملی آلفا، آموزش در حین پخش متوقف می‌شود و در صورتی که دانش‌آموز به درستی مطلب را متوجه شده باشد، می‌تواند ادامه آموزش را مشاهده نماید. با استفاده از آموزش‌های تعاملی، می‌توانید مطمئن شوید که دانش‌آموزان درک بهتری از مطلب خواهند داشت. برنامه آلفا این امکان را برای آموزگاران فراهم می‌کند تا علاوه بر تکلیف‌های آماده، تکلیف خود را نیز در اختیار دانش‌آموزان قرار داده و برای آن مهلت تعیین کنند که پس از پایان مدت زمان معلوم، دانش‌آموز قادر نخواهد بود تا پاسخ خود را ارسال کند. همچنین برنامه به صورت خودکار تکلیفی که هنوز بررسی نشده است را به معلم نشان خواهد داد. از مزیت جالب آلفا می‌توان به توانایی زوم و نوشتن بر روی تکلیف اشاره نمود. دانش‌آموز دیگر نیازی نیست تا تکلیف خود را بر روی برگه بنویسد و از آن عکس بگیرد، بلکه کافیسیت تصویر تکلیف

آلفا، اپلیکیشن آموزشی با رابط کاربری بسیار زیبا و کارآمد برای استفاده معلمان و دانش‌آموزان پایه اول تا ششم ابتدایی می‌باشد. پس از نصب برنامه و تشکیل کلاس در آلفا، صفحه‌ای به نمایش گذاشته می‌شود که روزهای مختلف هفته قابل رؤیت می‌باشد که در هر روز محتوای آموزشی از پیش آماده شده بر اساس بودجه بندی آموزشی در اختیار معلم و دانش‌آموز قرار داده شده است. تک تک سؤالات، تمرین‌ها و مثال‌های کتاب توسط مدرس در برنامه آلفا تدریس شده است و در واقع می‌توان آلفا را کامل‌ترین بسته آموزشی در نظر گرفت که معلم را از تولید محتوا بی‌نیاز می‌نماید. معلم قادر خواهد بود بر اساس صلاح‌دید خود، محتوایی را در وضعیت فعال یا غیرفعال قرار دهد. معلم این امکان را دارد تا علاوه بر محتوای آماده برنامه، محتوای خود را نیز در صورت نیاز به کلاس اضافه نماید. نظارت بر کلاس بسیار آسان شده است. معلم می‌تواند به صورت دقیق متوجه شود که آموزش‌ها تا چه میزان توسط دانش‌آموز مشاهده شده است،

بهر روز روستائی فارسی
مدیر ارشد برنامه نویسی آلفا



هانیه ریسی معلم دوره
ابتدایی ناحیه ۲ شیراز



برای پخش
آنلاین لمس کنید



برای ثبت نظر
لمس کنید

”

روی دیگر سکه جهان

“



جهان بسیار پیچیده‌تر از آن چیز است که در نگاه اول به نظر می‌رسد. جهان از بعضی لحاظ بسیار عجیب و غریب کار می‌کند، هر چند برای درک کامل آن به اطلاعات تخصصی نیازمندیم؛ اما کافی است کمی احساس ترس داشته باشیم تا به شگفتی آن پی ببریم. نشریه تلگراف، ۱۰ پدیده عجیب از این عجایب در علم فیزیک را با کمک تعدادی از کاربران توئیتر و کیهان شناسی به نام «مارکوس چاون» گردآوری و ارائه داده است. که در این شماره به ۴ مورد آن اشاره می‌کنیم.

۱ خورشید می‌توانست از موز ساخته شده باشد!

همان‌طور که همه‌ی ما می‌دانیم، خورشید بسیار پر حرارت است و این حرارت به دلیل وجود وزن چند میلیارد میلیارد تنی آن است که گرانش عظیمی را به وجود می‌آورد که هسته‌ی ستاره را تحت فشار غیرقابل تصویری می‌گذارد و در اثر فشار بالا حرارت فوق‌العاده تولید می‌کند. در صورتی که در خورشید به جای گاز هیدروژن از میلیاردها میلیارد تن موز استفاده شود، همان میزان فشار و در نتیجه همان مقدار حرارت در خورشید به وجود می‌آید.

۲ تمام ماده‌ای که نسل بشر را به وجود آورده، در یک حبه قند جا می‌گیرد!

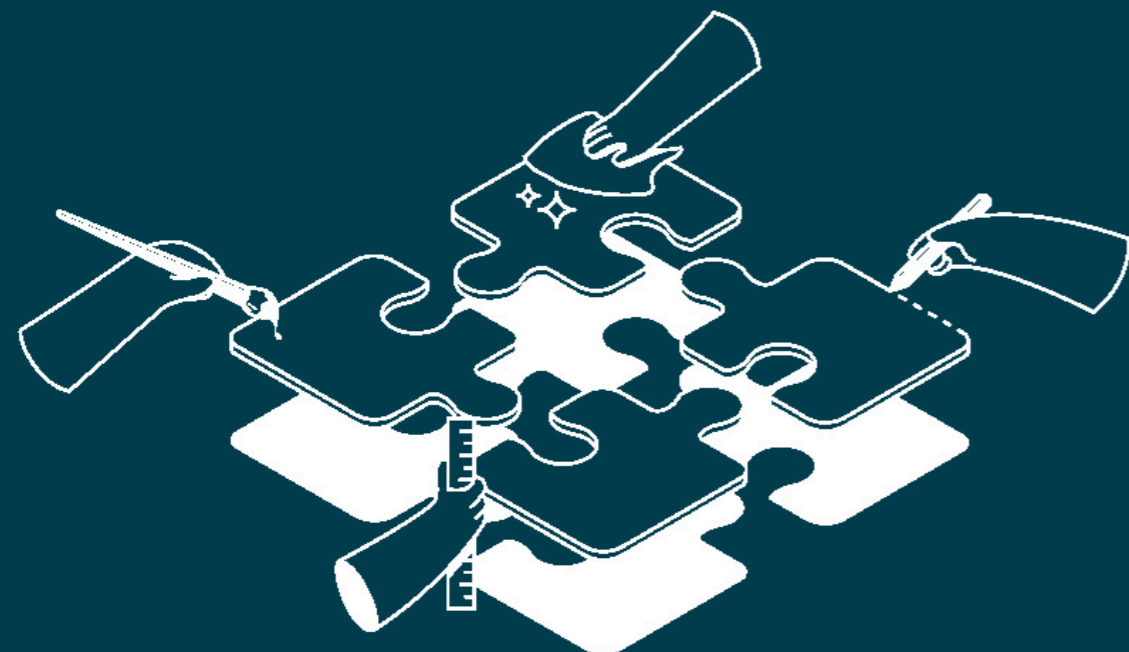
در اتم‌ها ۹۹/۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹ درصد فضای خالی است و به همین دلیل در صورتی که تمامی اتم‌ها را به گونه‌ای در کنار هم جمع کنیم که فضای خالی میان آنها از بین برود، یک قاشق چای‌خوری یا حجمی برابر یک حبه قند از این ماده حدود پنج میلیارد تن وزن خواهد داشت، وزنی ۱۰ برابر مجموع وزن تمامی انسان‌هایی که در حال حاضر در جهان حضور دارند.

۳ تقریباً همه جهان گم شده است!

می‌توان به جرأت گفت حدود ۱۰۰ میلیارد کهکشان در جهان هستی وجود دارد که هر یک از آنها از ۱۰ میلیون تا ۱۰ تریلیون ستاره را در خود گنجانده‌اند. خورشید زمین در مقایسه با این ستاره‌ها یکی از کوچک‌ترین و ضعیف‌ترین ستاره‌ها به شمار می‌رود (حتی می‌توان نام کوتوله زرد رنگ را روی آن گذاشت). در واقع در جهان هستی مقادیر ترسناک و عظیمی از ماده مرئی وجود دارد که ما تنها قادر به مشاهده دو درصد از آن هستیم؛ با این حال ما می‌دانیم که چیزهای بیشتری وجود دارد و وجود این مقدار ماده به دلیل نیروی گرانش آنها پیش‌بینی می‌شود و ماده تاریک نیز که مقدار آن شش برابر جرم ماده مرئی تخمین زده می‌شود، بخش نامرئی جهان را تشکیل داده است. وجود انرژی تاریک به عنوان بخشی دیگر از جهان که در واقع مابقی جهان را تشکیل داده است، موضوع را پیچیده‌تر کرده است.

۴ چیزی به نام گذشته، حال، آینده وجود ندارد!

یک قرن پیش انیشتین نشان داد که زمان نسبی است و به وسیله حرکت و گرانش می‌توان آن را تحت تأثیر قرار داد. امروزه براساس نظریه نسبیت، دانشمندان پذیرفته‌اند که تصور ما از زمان یک تصور نادرست است. در واقع چیز خاصی به نام گذشته، حال یا آینده وجود ندارد و قالب‌های زمانی به یکدیگر وابسته‌اند؛ زیرا همه هستی در سرعتی برابر در حال حرکت است. در صورتی که انسان با سرعتی کاملاً متفاوت در حرکت باشد، شاهد پیر شدن زود هنگام یکی از نزدیکان یا دیر پیر شدن وی نسبت به دیگران است. برای مثال اگر یکی از ما بیشتر از دیگری به یک جاذبه بزرگ مانند زمین نزدیک باشد، سن ما با سرعتی کندتر از کسی که در این جاذبه نبوده است، افزایش می‌یابد.



طراحی نشریات مختلف با بهترین کیفیت و کمترین هزینه

برای کسب اطلاعات بیشتر به نشانی‌های زیر مراجعه کنید:



صدف قربان پور دانشجوی
دانشگاه فرهنگیان
مرکز سلمان فارسی



برای ثبت نظر
آلایین لمس کنید

برای ثبت نظر
لمس کنید

منبع:
نشریه انگلیسی تلگراف
telegraph.co.uk

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

ساقی به نور باده برافروز جام ما * مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما
ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم * ای بی خبر ز لذت شرب مدام ما
هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق * ثبت است بر جریده عالم دوام ما
چندان بود کرشمه و ناز سی قدان * کایید به جلوه سرو صنوبر خرام ما
ای باد اگر به گلشن احباب بگذری * ز نهار عرضه ده بر جانان پیام ما
کو نام ما ز یاد به عدا چه می بری * خود آید آن که یاد نیاری ز نام ما
مستی به چشم شاهد دلبنده ما خوش است * زان رو سپرده اند به مستی زمام ما
ترسم که صرفای نبرد روز بازخواست * نان حلال شیخ ز آب حرام ما
حافظ ز دیده دانگشک می قشان * باشد که مرغ وصل کند قصد دام ما
دریای اخضر فلک و کشتی حلال * همتند غرق نعمت حاجی قوام ما

-حافظ-



موسسه آفرینش بنخند

(خیریه کودکان بی سرپرست و بد سرپرست)



مهربان که باشی، خورشید از سمت قلب تو طلوع خواهد کرد و صبح مکر چیست؟ بنخندر نشانی از مهربانیت!...

این موسسه به رفع نیازهای اساسی اولیه، روحی و عاطفی در قالب اکرام و ایجاد فضایی شاد و پر نشاط برای ساختن دنیای کودکان قشر محروم از طریق تجربه های بدی اماناب، آنگونه که سرادار این کودکان است و ایجاد فضای تربیتی برای قشر جامعه می پردازد.

آدرس: شیراز- خیابان احمدی شمالی

09175642342

labkhaand

labkhaand.ir

labkhaandd

گلک های تقدی

۰۳۷-۹۹۱۸-۹۹۹۱-۲۵۶۶

*۷۸۸*۹۷*۲۴۳۲#



کسی که هرگز اشتباه نکند، چیز جدیدی یاد نمی‌گیرد.

آلبرت انیشتین (۱۸۷۹ - ۱۹۵۵)

 mahbang_mag

 mahbang_mag

